



گاهها

یا

# سرودهای آسمانی زرتشت

برگردان به فارسی روان

تقلم : موبد فیروز اذکشب

مهرماه یکم راب سید و شصت هجری شمسی

نخا : علاءعلی عطارچیان

حق چاپ محفوظ و مخصوص نویسنده است





با سرمایه دانش‌گستر  
بنامگانه خدایار جهانبخش مزدیسنا  
از سوی انتشارات فروهر به چاپ رسید

اوستا. یسنا. گاهان. فارسی  
گاتها، یا سرودهای آسمانی زرتشت / برگردان به فارسی روان به قلم فیروز آذرگشسب؛ بخط  
غلامعلی عطارچیان. - [تهران]: فروهر ۱۳۷۸.  
ص. ۱۰۸

ISBN 964-6320-07-4

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.  
چاپ دوم.

۱. اوستا. یسنا. گاهان. فارسی. ۲. شعر اوستایی - ترجمه شده به فارسی. الف. آذرگشسب فیروز،  
مترجم. ب. عطارچیان، غلامعلی، خطاط. ج. عنوان: سرودهای آسمانی زرتشت.  
PIR۴۷۳  
۲۹۵/۸۲  
کتابخانه ملی ایران  
الف ۱۳۷۸  
۱۲۵۸۰ - ۷۸ م



موسسه فرهنگی و انتشاراتی فروهر

گاتها یا سرودهای آسمانی زرتشت

موسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر

خیابان انقلاب - فلسطین جنوبی - شماره ۶

کدپستی ۱۳۱۵۷ - تلفن ۶۴۶۲۷۰۴

برگردان به فارسی: موبد فیروز آذرگشسب

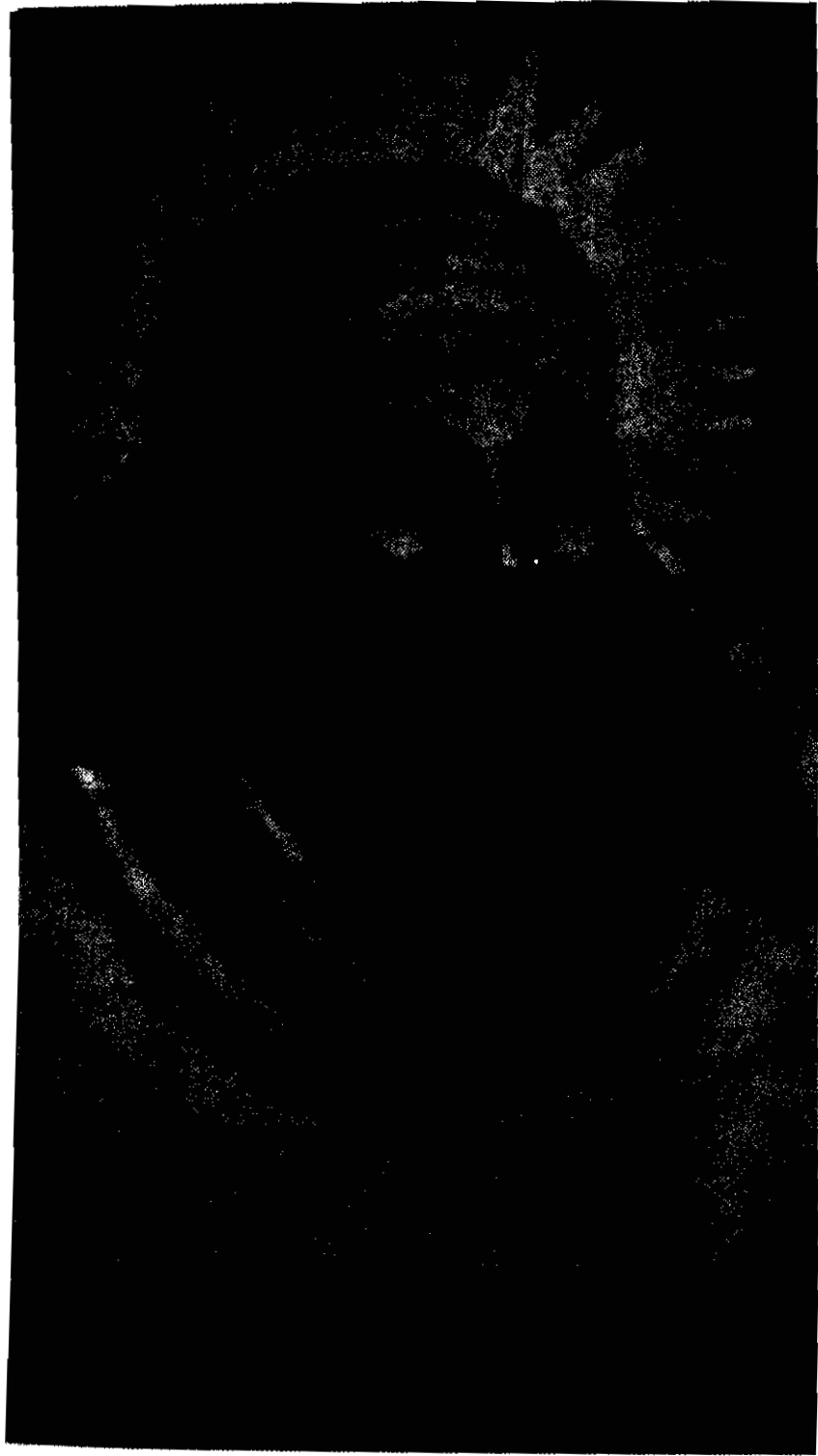
لیتوگرافی، چاپ، صحافی: شرکت چاپ خواجه

چاپ دوم: ۱۳۷۹

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

شابک ۹۶۴-۶۳۲۰-۰۷-۴ I.S.B.N: 964 - 6320 - 07- 4







## فهرست مطالب کتبا یا سرودهای آسمانی زرتشت با ذکر نامهای فصلها

مکاتبها	فصلها	تعدادها	تعدادبندها	ذکرصفحهها
ایهودکات	از ۲۸ تا ۳۴ «۱۷ ات یصل»	۷ ات یصل	۱۱ بند + یک بند غیرفصل	از ۲۸ تا ۶۱
اشتودکات	از ۴۳ تا ۴۶	۴ ات یصل	۶ بند	۲۲ تا ۸۵
سپنتدکات	از ۴۷ تا ۵۰	۴ ات یصل	۴ بند	۸۶ تا ۹۷
دهمخشدکات	۱ ات ۵۱	نقطه ۱ ات یصل	۲۲ بند	۹۸ تا ۱۰۴
دهمیشوایشکات	۱ ات ۵۲	نقطه ۱ ات یصل	۹ بند	۱۰۵ تا ۱۰۸
		جمع ۱۴۸ بند + اضافی یک بند سرافاز		پیش تقارار صفحه ۱ تا صفحه ۲۷





## پیش‌گفتار

نظر باینکه جمله اول و دوم کاتانا، سرود های آسمانی اشوزشت که نگارنده برای ترجمه آنها سالهای بسیار رنج برده ام کتابهای بطور و کران قیمتی هستند که خرید آنها برای همه علاقمندان امکان پذیر نیست و از آنجا که اطلاع و آگاهی از متون سرود های مذکور و بکار بردن دستورهای اخلاقی و آموزشهای سودمند و خشنود بزرگ ایران در زندگی نه فقط برای افراد زرتشتی بطور خاص بلکه برای تمام مردم جهان بطور عام بسیار واجب است بنا بر این بر آن شدم که تنها ترجمه کامل آنرا هفده ات فصل، کاتانا را یکجا در این کتاب آورده و آزاد دسترس علاقمندان قرار دهم باشد که در این راه خوانندگان محترم بی‌توجهی سرود های آسمانی زرتشت برده، درس زندگی و نیت را از آن آموخته، در ساختن جهانی آباد و آزاد و پیشرفته بجدیت و کوشش پردازند و در تأمین شجوهی آسایش بشر ممتد کارند.

ضمناً برای آنکه خوانندگان از مفهوم کاتانا و سبب جات آن بجهتین از سرانیده آنها اطلاعی داشته باشند سعی خواهد شد بطور مختصر و فشرده در زیر آورده شود.

کاتانا از لحاظ مفهوم معنی سرود های آسمانی است و با واژه گیگا که سرود های مقدس هند است مترادف میباشد. کاتانا دارای هفده ات فصل میباشد که چون کنجی در میان نخستین قرار داده شده است و پنج بخش تقسیم گشته است که عبارتند از: اهنود - ایشود - سبند - دهرخشود و ایشوایش کات .





آهنگات از ۲۸ یسا شروع و تا ۳۴ ادامه دارد، جمعاً هفت فصل بوده و بنام  
 یشت گاوان نیز معروفست که معمولاً هنگام انجام مراسم پرسه «ختم» توسط موبد خوانده میشود.  
 آهنگات دارای چهار فصل بوده از ۳۲ یسا شروع و به ۴۶ خاتمه میابد  
 سپنتم گات نیز دارای ۴ فصل میباشد که از ۴۷ یسا شروع و به ۵۰ خاتمه میابد.  
 دوهوشتر و دوهشتواشت گات هر یک دارای یک فصل میباشد که ۵۱ یسا را دوهوشتر و ۵۲

### ۵۳ رادیهشتواشت یساند

کاتا با زبان اوستایی بسیار کهن سروده شده از لحاظ قدمت با ریکت و یهیندو برای درسخان دانشوریت میباشد.  
 هرگاه بتوانیم زمان کاتا را تعیین کنیم زمان اشور زشت سرزیده این سرودهای نغز را  
 نیز میتوان تعیین کرد، تا شناخته بانوخته شدن کاتا بنجامه معطم شاهی در تخت جمشید بدست اسکندر مقدونی و از  
 بین فتن باقیاننده مارک دینی زرتشتیان در حملات اعراب و یورش و هجوم قوم منول این سرزمین امروز  
 مدرک و مانده‌ای که بتوانیم تاریخ زرتشت و کاتا را بطور دقیق بیایم در دست نیست، بهین علت راجع به سیر  
 ایران تا بحال عقاید و نظرات مختلفی ابراز شده است که از بین آنها راجع بدسته نظر بحث خواهیم کرد.  
 نظریه اول تاریخ سنتی است که زمان زرتشت را سیصدسال قبل از حمله اسکندر به ایران یا  
 حدود قرن ششم میلادی دانسته است ولی این نظریه امروز بکلی مردود شناخته شده است  
 بعلا اینکه زبان اوستایی کاتا با با فرس باستان بنجامنشی یکگونه شباهتی ندارد و از آن





که نشسته بچکد ام از شاهان نجاشی ذکر می از نام پیر ایران کرده اند .  
بعلاوه کتاب کیانی یاد پشیمان اشور زرتشت پادشاهی مقتدر و نیرومند بود در صورتیکه  
کتاب نجاشی که در حدود قرن ششم بم، هیریت، پدروارپوش بزرگ و فرمانروای کوچکی میس نمود  
و تقریباً بطور گمنام زندگی میکرده است چنانکه دارپوش در سنگنوشته خود هیچ عنوانی برای پدرش  
به کتاب قائل نشده است ولی خود را شاه شاهان می نامد .

نظریه دوم گفته های مورخین یونان است که زمان زرتشت را حدود شش هزار سال قبل از میلاد  
ذکر کرده اند، این نظریه نیز بعقت فقدان مدارک مستند و کافی طرفداران زیادی ندارد .  
نظریه سوم عقیده اوستا شناسان دانشمندی است که زمان اشور زرتشت را یک هزار تا  
یک هزار و هفتصد و پنجاه سال قبل از میلاد دانسته اند یعنی زمان زرتشت را کمی پانزدهمین از زمان  
رگیددیشمرده اند ولی درین اوستا شناسان تنها نظریه پر وفور میزد که کمال اهمیت را در  
برای اطلاع خوانندگان در زیر نقل می نماید .

سالها پیش تصور میکردم زمان پیر ایران نباید بیش از یک هزار و پانصد سال قبل از میلاد باشد  
ولی بعداً در اثر مطالعه زیاد توجه شدم که هر چند زمان زرتشت را از ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد  
هم عقب تر سر هم منطقی تر خواهد بود زیرا هر گاه زبان گاناها را قبل از پرتش مهر بدانیم می توانیم این  
کتاب آسمانی را کهن ترین مجموعه خطی بدانیم که به ما رسیده است؛ ولی با توجه بکلیه حقایق





مخصوصاً تاریخ گذشته ایران و تفسیراتی که در زبان آریائی چشم میخورد و عدم وجود مهر و موم در گاتاها و دوازدهمی که در اوستای شافرو ریکت بدستگرفته و تفصیل از آنها بحث شده نشان میدهد که سالیان بسیار بسیار درازی طول کشیده است تا کیشی که خالی از هرگونه موهوم و خرافات و تعصب آلودگی بود تنزل کرده و بصورتی درآید که در مهرپرستی آئین هوم رواج داشت بطور مسلم بدون تردید ایزدان مشترکی که در دیشت با دریکت بدو ذکر شده اند بسیار کمین میباشند و اگر زمان گاتاها را قبل از پرستش ایزدان مذکور بدانیم چون در متن سرودها هیچ ذکر می از آنها نشده است پس تاریخی برای قدمت گاتاها نمیتوان تعیین کرد.

صنایع و فنون راپسین آئیند آلمانی در این مورد می نویسد :

در سراسر گاتاها با وجود اینکه بیش از ۲۰۰ بار از خداوند یکجا نام برده شده است با بصریت فردا و با بصورت تعلیقی فردا و امروز میباید در صورتیکه در شکلوشته های منشی همیشه نام خداوند جان و فردا، اورمزد و ابورازند ذکر شده است و این موضوع نشان میدهد سالیان دراز و با حقیقت گذشت چند هزار سال لازم بوده است تا نامی را که مورد توجه و استفاده همگان بوده و هر روز مردم از آن یاد میکردند تغییر شکل و ماهیت بدی یعنی از صورت فردا ابورازند شکل امروز فردا و اورمزد درآید.

تحول زبان بشکل مذکور خیلی بدتر است و آنهم بعد از گذشت قرن ها امکان پذیر است.







با توجه بظرفیه پروفور راپیس و پروفور سیز و تفتیق این دو عئیده باهم، میوان گفت زمان اش  
 زرتشت و گاتانا در حدود سه هزار تا ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد بوده است. در حال شور زشت  
 به بر زمان مکان محیطی تعلق داشت باشد مایه افتخار ایران و سر طبعی ایرانیان است زیرا  
 اولین آموزگار و بربری بود که بشیر ابوی یکپارستی درستی ارشاد فرمود در نیمه در با هم سخن خواهیم  
 اما گاتانا با همانطور که در بالا ذکر کردید دارای هفده فصل بوده و هر کدام از مکاتبات دارای در  
 و اجکت بخصوصی است که بدون کم و کاست بهت ما رسیده از دست حوادث روزگار این  
 مانده است علت آن نیز به نظم بودن این سرودهاست که بهتر در حافظه مانده است.  
 برخی از گاتانا دارای سه مصحح ۱۶ سیلابی و ۴۸ سیلابی و برخی هم دارای شش مصحح  
 دوازده و هشت بجایی میباشند.

بطور مختصر میوان گفت کمترین، نغزترین، پر مغزترین، اندیشه بر انگیزترین، والا ترین  
 مطنن ترین بخش اوستائی را گاتانا تشکیل میدهند.

النون بر سیمیم گاتانا رابع به چه موضوعاتی بحث میکند. همسیرین و عده ترین بخش گاتانا  
 به یکپارستی، طرز شناخت پروردگار بکتباد و توضیحاتی رابع به مزد اهورا، تسی بخش بکتباد و انا و را  
 رسیدن به ادا احتیاص داده شده است. در گاتانا با صراحت تمام اشور زشت را نخستین آموزگار  
 بشیر و بشیر یکپارستی مطلق می شناسد و چنانکه در بندهم از ذات ۴۶ اشور و مکاتبت میجوینم:





یکیت آن را مرد بزرگ و نخستین آموزگاری که با آموختن تو را ای پروردگار شایسته ترین

ذات موردتسائیش بشناسیم و ترا در پاک کردار ما و سرور راستی بخوانیم»

بطور مسلم این را مرد بزرگ کسی دیگر جز خوشروز بزرگ ایران نمی باشد که در ۲۵۰۰ سال قبل از

سیلاد برای ارشاد بشر بسوی یکتاشناسی برانگیخته شد. در زمانی که موبوم و خرافات و جهل و نادانی

سراسر ایران را فرا گرفته بود و خدایان پنداری بیشتر مورد توجه و احترام بودند و نیاز ما و فدیهای

خونین برای جلب ضاییت آنها انجام میشد، اشوزرتشت مردم را به پرستش یکتا خداوند بهیسا و

و آفریننده کاینات دعوت فرموده تنها او یعنی ابورمزدا هستی بخش دانای بزرگ یا خداوند

جان و خرد را سزاوارتسائیش و پرستش میگرد و در بند ۱۱ از باب ۴۴ یسانچین فرمود :

«... پروردگار امیدم که تو مرا برای انجام این کار بزرگ بعنوان نخستین آموزگار برگزیده»

اشوزرتشت بعنوان نخستین آموزگار بشر برای ارشاد مردم بسوی یکتاشناسی در راستی برگزیده شده است

و خود را موظف میداند تا در انجام این کار بزرگ که جز ارشاد و رهبری مردم جهان چیز دیگری نیست

فتمای کوشش خود را بنجامد.

در تأیید این گفتار که اشوزرتشت اولین آموزگار و مبشر یکتا پرستی در جهان بوده است»

بند سوم از باب ۲۸ اهنودگات میخوانیم :

« ای هستی بخش دانا، ای اشادای و همون (مظاهر راستی و پاکی) آفریننده نیک و





«هر روز می مردم، اکنون سرود هانی میرایم که پیش از این کسی نسروده است»  
 همچنین در بند اول از باب ۳۱ نیسان آمده است که :  
 «ای جویندگان دانش! اکنون آموزشها و پیام الهی را که با مجال شنیده نشده است  
 برای شما آشکار خواهیم ساخت»  
 این دو بند خوبی نشان میدهد که قبل از آشور رشت کسی بعنوان آموزگار و رهبر بشر ظهور  
 نکرده بوده است .

ضمناً برای شناخت پروردگار بختی میفرماید بیدیه دل رجوع کنید زیرافهم و درک خداوند بختی از  
 راه اندیشه امکان پذیر نیست چنانکه در بند هشتم از باب ۳۱ نیسان آمده است :  
 «ای خداوند جان و خرد بختی که در اندیشه خود ترا سر آغاز و سرانجام هستی شناختم با تو  
 دل دریا فتم که تویی سرچشمه منش پاک که تویی آفریننده راستی و اوراد ادری که کردار مردمان  
 جهان را داور می کنی».

و در مابعد این موضوع باز در بند هشتم از باب ۴۵ استودکات میفرماید :  
 «چون ابورمزد را با دیده دل دیده ام کوشش خواهم کرد با سرودهای تسلیس تو خشن را  
 بسوی خود جلب کنم، با اندیشه و گفتار و کردار نیک و در پروردگاری و درستی «بایتم که ابورمزد،  
 هستی بخش دانا و پروردگار بختی است، بنا بر این نیایش قلبی و تسلیس خود را بسیار گاه متعش نیانم»



در این بند با کمال روشنی اشوزتشت امروزه در آستانه‌ی محبت دانا و پروردگار بخیا داد  
و اورا سزوار نیایش و تسلیش قلبی میداند .

برابر اشوزتشت و کلمات ۴۴ اشوزتشت بطور شاعرانه امروزه در آفریننده زمین  
آسمان و آب و گیاه و حیوان و انسان و خورشید و ماه و ستارگان کرات درخشان آسمان نیست  
و اورا آفریننده کلیه کاینات و همه هستی با میانسند تنها سزوار تسلیش و پرستش می شمارد .

صفاقی که در کلمات برای خدا آمده است عبارتند از : ازلی و ابدی ، سرآغاز و سرانجام  
همه چیز ، بالاتر و برتر از همه ، فروغ بی پایان ، روح محض ، همیشه حاضر و ناظر بر اعمال نیکان  
خویش بخشنده و بخشایگر و مهربان ، تغییرناپذیر و جاودان ، از همه چیز آگاه و دانا ، توانا بر همه کارها  
تیزبین و دوربین ، بدون شریک و بی‌همتا ، فریفته نشدنی و دوستی مهربان میمیی .  
نکته ای که در کلمات با بدان اشارات مکرر شده است الهامی بودن سخنان اشوزتشت از  
جانب امروزه می باشد امید است کسانی که نا آگاهانه و خستور بزرگ ایران را فیلسوفی بیش  
نیدانند بهار وزیر توجه نمایند .

در سرآغاز اشوزتشت کلمات چنین آمده است : « سلسله سزوار زبیده و مختار و کردار اشوزتشت  
الهامی است از سوی خدا و می‌تواند که انسان را بسوی رسانی و خوشبختی را بهمانی میکند . »

و در بند ۱۱ از ۲۸ بیاسیفر ماید :





«ای آفریننده بزرگ و دانا از راه حس و بینش و الهام داز پدید آمدن آفرینش را از روز  
زلزل من بایوز، حقیقت را بر مردم جهان آشکار سازم.»

در رابطه با الهامی بودن سخنان اشوورتشت در کاتانا، اشارات زیادی شده است که  
نکارنده یک مورد دیگر را ذکر و سپس توجه خوانندگان محترم را بنحایت دیگری که جنبه اخلاقی و  
حیاتی دارند، مطرف خواهیم ساخت.

در بند سوم از هات ۳۱ «... ای خداوند خردمرا از تمام این حقایق  
آگاه و باگتخار الهام بخش خود مرا روشن نما تا همه مردم را با آئین راستی ارشاد کنم.»

یکی از مواردیکه کاتانا بر آن تاکید بسیار دارد و از اصول مهم کیش فردینا بنا بر سیاید  
موضوع آزادی افراد در اختیار راه نیک بدوگرنش دین خود می باشد چنانچه در بند دوم از  
هات ۳۰ اینودکات چنین آمده است :

« ای مردم بهترین سخنان را بگوشش بشنوید و با اندیشه ای روشن و ژرف بینی آنها را  
بررسی کنید، هر مرد و زن راه نیک و بد را شخصاً برگزینید، پیش از فرارسیدن روز واپسین  
همه پانخیزید و دگترش آئین راستی بگوشید.»

و باز در بند ۱۱ از هات ۳۱ در همین مورد بنفرماید :

« ای خداوند خردمرا بنحایتی که در روز زلزله جسم و جان آفریدی از منش خویش خردی از یسیدن





و غر و خبشیدی، زمانی که بتن خاکی روان میدی و بانسان نیروی کار کردن سخن گفتن و بهی  
کردن عنایت فرمودی خواستی تا هر کس بدخواه و باکمال آزادی کیش خود را برگزیند»

سلم است با وجود چنین آزادی افراد «مقابل عمل نیک و بد خود مسئول بوده و برابر کاتان  
در روز واپسین کسی از آنها شفاعت نخواهد کرد بلکه طبق بند ۵ از بات ۴۳ اشودکات امپراتور  
مقرر فرموده است که «بدی از برای بدان و یکی از برای نیکان خواهد بود» یا عبارت دیگر اسکافا  
عمل خافل شو، کندم از کندم برودید جوزجو، برای هر کار نیکی پادشاه برای هر کار شستی کفیز  
مقرر گردیده است و قانون اشایی یعنی کنش و کنش در همه جا و همه موارد حکم فرماست و بکس هر  
هم با قدرت و نفوذ نخواهد توانست از و کنش عمل ناشایت خویش دان باشد چون برای هر کاری  
سکافات و مجازات تعیین شده است. اشوزرشت بر دم توصیه میکند بر علیه بدی و در شستی پیکاری  
دائم و پی گیر باید داشت و تا نابودی آن نباید از مبارزه دست کشید در بند ۴ از بات ۴۶  
اشودکات در این مورد چنین آمده است :

«ای فردا کسی که با تمام نیرو و وجودش بر علیه هواخواهان دروغ پیکار کند او جهان آفرین را  
براه فرود و دین حقیقی بر سببری خواهد کرد»

در مورد پیکار با بدی و حکمت پذیروری روشنفانی بر تاریکی و سپنتا مینو بر انگره میو اش  
گماری شده است که بذکر برخی از آنها مبادرت خواهد شد.





در بند دوم از ذات ۳۳ یسنا میفرماید: «کسی که با اندیشه و گفتار و کردار و با بزدوان خویش با بدکاران بکار کند و نقشه آنها را هتیم سازد و یا آنان را براه راست رهبری کند چنین شخصی خواست پروردگار را انجام داده و بخداوند جان و عمر و عشق میوزرد».

در کیش زرتشت و بناگاتا، آنتا پرهیز از کارهای ناشایست و دوری از شر و فساد کافی نیست بلکه علاوه بر آن، باید از افراد تبه کاری که در صدد ایجاد فساد و یا جنایتی هستند جلوگیری بعمل آورد و حتی آنها را سزا دهد و محرف و سیه کار را براه راست هدایت نموده و زشتکاری آنها را هتیم سازد.

ایشان زرتشت معتقد بود کسی که سیه کاران را کمک یا یاری نماید خود نیز از طرفداران و هواداران آنهاست و کسی که بیکو کاران کمک کند از پارسیلو دستکاران بشمار خواهد آمد چنانکه در بند ۶ از ذات ۴۶ اشودگات میفرماید:

«... کسیکه برای هواداران دروغ آرزوی فیروزی کند و بدنامیاری بخشد از هواداران دروغ و کسیکه دست کرداران را دوست داشته و بدنامیاری کند در زمره پارسیان بجای خواهد آمد. برای دوری چنین از بدی و دروغ و تبه کاری در ذات ۵۳ یسنا بند ۱۶ اشوزرتشت به سروران خود چنین توصیه میفرماید:

«ای مردان و زنان کوشش کنید... از دروغ که همان زنده گانی نامی و دوسوسه گویی است پرهیز کنید، از پیشرفت ریاض و فریب جلوگیری نمایید، پیوند خویش را با دروغ بیکباره بچسبید»





بدانید آن خوشی و سروری که از راه نادرست و بختی و بیچارگی دیگران بدست آید غریب و افسوس خیزی  
 بار نخواهد آورد و تبه کاران در فرغ پرستانی که در پی تباهی دست کردارانند برستی زندگانی  
 معنوی و آرامش روحی خود را از زمین خواهند برد.

موضوعی که در کاتانها بدان اهمیت بسیار داده شده است انسانیت و مردم داری است  
 میباشد. اشوزرشت بیشتر بجنبه اخلاقی مردم توجه دارد، او میخواهد همه افراد بشر برادر و کارکنان  
 با صلح و صفا و مهر و محبت زندگی کرده و یکدیگر مهربان و رزق او بخواهش بختی را خوب بخت کردن دیگران  
 میسازد چنانکه در اشئودکات میفرماید:

«اوشتا اجمانی بهانی اوشتا کمانی چیت» یعنی خوشبختی برای کسی است که دیگران را خوب بخت  
 اشوزرشت یاری کردن در مانده گان و بیچارگان و دستگیری از ناتوانان و مستمندان  
 و وظیفه وجدانی هر فردی میداند و پادشاهش افرادی که بدویشان کمک کنند مملکت آسمانی و  
 نیروی اهورائی مقرر فرموده است.

اشوزرشت توصیه میفرماید برای رسیدن بخداوند بختا و زیارت یدار او تنها بهر دور  
 فرزندان اهورائی که بنام اشا سپندان معروفند سیر است که در راس همه اندیشه نیک و  
 سالم و منیش پاک یعنی در همین قرار داد، وقتی انسان مغز خود را از هرگونه انکار ناشایست و پلید  
 پاک کرد و اندیشه نیک و خیرخواهی را جایگزین آن ساخت، هنگامیکه بدون حب و بغض و بدون







خودخواهی بسال توجه پیدا کرد و سود و کیان را بر نفع خویش ترجیح داد آنوقت است که فروزه پاکبانی خداگونه در او بوجود آمده است و می‌تواند بر حلقه دوم کمال که آشنایی راستی و پاکی است کام بنهد و در این مرحله باید راستی و درست‌تری را همیشه جلو دید خود قرار دهد از دروغ گفتن سخت پرهیز نماید اگر جان او نیز در خطر باشد نباید از راست گفتن ببرد با پیشرفت در این مرحله به فرزندکان گذشت و انصاف است و جوانمردی، اعدال، میانه روی، شمامت، مردانگی، خودخواه‌گری، و بسوی کام خویش شدن، ای چیرگی بر نفس و خدمت بردم که از دیگر گنهای خسترا یا شهرو است دست خواهد یافت سخت ترین مرحله اینجاست که انسان بتواند بر ایصال بهوس و آرزو و خواسته‌های خویش شریاری کند و در آخرین مادم و جهاد با نفس از این مرحله نیز فریز برود آید از آن پس آخرین گامه پستنا آر می‌شود یعنی پاک و فروتنی در بردباری کام خواهد گذاشت در این مرحله شاکر و کاتب انسانیت عشقی پاک بنماید همه بندگان خدا پیدا خواهد کرد و او از مهر و محبت نسبت به همه افراد بشر لبریز خواهد شد و بر حلقه کمال و ربانی و جاودانی بهادرات و امرات (خرداد و امرداد) خواهد رسید در این مرحله وجودش از فرزندکان خداگونه انباشته خواهد گردید چون بر تویی از فروغ درخشان اهورائی همه برادران و خواهران نوعی نور محبت و خدمت و ذکاوری خواهد تابا بد چنین شاکردی که مراحل کمال انسانیت را طی کرده است همه بنای شبر را از مهر برآورد و ملیت و ذمب چون برادر دوست خواهد داشت و به محبت خواهد ورزید و بر حلقه کمال انسانیت وارد گشته است، او دیگر بوسیله پرورش فرزندکان اهورائی





خداوند شده است، او برای رسیدن بخدا اول بار بدون خویش توجه پیدا کرده سپس بایش درون  
باندیشه پاک و بی آرایش با راستی و درستی و حیرگی برهن منجبت همه توانسته است به آبران خویش یعنی  
دیدار با خداوند درون نایل گردد.

اشوزرتشت جهان هستی را میدان مبارزه و کشتکش اتم و نیروی ضدین یعنی سپنتمانو و اطرمینو  
میداند و میفرماید، این دو گوهر همزاد و همراه در عین حال که با هم مخالف و در ستیزند لازم ملزوم یکدیگر نیز میباشند.  
وجود این دو گوهر با هم آفرینش و هستی را پدید میآوردند مثلاً نیروی مثبت و منفی در عین مخالف بودن با  
یکدیگر موجب وجود آمدن برق میگردد. نیروی جاذبه و دافعه موجب ثابت ماندن کرات آسمانی جلای  
خود میباشند، نیک و بد و زشت و زیبا بسگی بطرز اندیشه ما دارند آنچه بود است نیک و آنچه زیان  
ما باشد آزار بد و نازیا میثاریم.

بنابراین اشوزرتشت آنچه در انجمن وجود دارد از آفرینش خداوند گنجا میباشند و در ذات  
خود نیکوست و بنظر خاصی آفریده شده اند مثلاً تریاک ماده ای است هم شفا بخش و مسکن هم کشنده  
و مرگ آفرین، اگر مقدار کم آن در مورد دندان درد و یا برای تسکین درد دیگری بکار برده شود بسیار  
نافع و نیکوست، ولی اگر برای خودکشی و نابودی مورد استفاده قرار گیرد زهر است کشنده و مرگ آور  
و ماده است بسیار مضر و زیان آور، نیک و بد همانطور که قبلاً گفته شد بسگی بطرز تفکر بشر دارد،  
عبارت دیگر نیک و بد و زیبا و زشت از زمانی بوجود میآید که بشر با عنصره وجود میگذارد و نیروی





تخصیص و تمیز او بکار میآید بجز یک در بند سوم از آنست ۳۰. یسنا آمده است :

« آن دو گوهر همزادی که در آغاز در عالم تصور پدیدار شدند، یکی نیک است و دیگری بدی در اندیشه و کردار، چنانکه از مفاد بند بالا روشن میگردد، دو گوهر سپنتا و انگره میوند گوهر همزادی هستند که در برابر هم قرار گرفته اند و در عالم اندیشه بصورت نیک و بد ظاهر میگرددند اصلاً مفهوم خود میوند اندیشه و منش میباشد که یکی گوهر پاک یا اندیشه فراینده و سازنده است و دیگری گوهر ناپاک یا اندیشه ویرانگر و تباها کننده .

انگره میوند که بعد از در زمان ساسانیان بصورت آخر میوند و اهرمن و اهرمن تغییر شکل یافته است نمیتواند خالق شر باشد و در برابر او همفرزدا، برتری بخش و انامی بزرگ و چشمپوشیها قرار گیرد. اهرمن در دنیا بشر وجود دارد و بسگی با اندیشه ویرانگر شیطان ضعیفان و دشمنان دارد و همچو چه وجود خارجی ندارد بعبارت دیگر میتوان سپنتا میوند و انگره میوند را بفرشته خوبی و اهرمن صفتی تعبیر کرد که هر دو در خوبی و خصلت اندیشه و نهاد انسان قرار دارد و از او جدا نیست. بنا به آخر بند سوم بات ۳۰ یسنا « و انایان و فرزانگان راه نیک و درست را برمیگزینند ولی با بگردان چنین نخواهند کرد و بسیار به خواهند رفت » شخص نادان و کور که رفتار هوای نفس در کج خیالی خود شده و براه خطا خواهد رفت و در نتیجه کارهای ناشایست و غیر انسانی از او سر خواهد زد و رفته رفته در منشی و اهرمن صفتی در او ظهور و بروز خواهد نمود و تحتی خواهد بود از اهرمن انسان ناپاک و بی شخص فرزانه و دانشمند راه نیک خستیار خواهد کرد و بر بهوسای نفسانی خویش مهار خواهد زد و با کارهای انسانی و شایسته خود فرشته ای خواهد شد بصورت انسان .





در مورد سوشیالیسم و موعود زمان در کاتانا بگویید :

در هر دوره‌ای از زمان که بیدنی و بی‌ایمانی، افس و فحور، دزدی و دروغ، فساد و جنایت، قتل و غارت، بیداد و ستم، حق‌کشی و زورگویی عرصه را بر مردم تنگ کند در چنین موقعی سوشالیست‌ها نجات‌بخش در حالی بخش ظهور خواهد کرد تا مردم را از بختی و بیچارگی نجات بخشد. سوشالیست‌ها جهان را تازه خواهند کرد و تحولاتی پدید خواهند آورد و داد و انصاف و راستی و درست‌ی و نیکی و خوبی و آشتی و آرامش در جهان مستقر خواهند ساخت. از اینکه سوشالیست‌ها یا سوسیالیست‌ها در دستکاری بخش‌ها با آرا و اندیشه‌ها در مردم خواهند ساختند. سوشالیست‌ها برای پیشبرد جهان بسوی تکامل و رسانی و تازه‌گرداندن آن از لحاظ تحول و گردونی بود و جامعه را تجدید و نصیبت‌کننده و شیرت‌مردم بسوی آبادانی و کمال انسانیت هر چند وقت یکبار ظهور کرده و میکنند مخصوصاً در مواقع بحرانی که خدمات آنها بسیار چشم‌گیر خواهد بود.

در کاتانا در روح یا دروغ را در تمام گمانان و نجی‌ها دانسته و در کونست یا در دیدنی هواخواه دروغ و دروغ‌گوار دشمن دین را استین مزدینا خوانده و از آن بیدی یا میکنند. دیوسینا یا هواخوانان خدایان پنداری و دروغین در برابر مزدینان یا پرتندگان مزدی، خداوندی‌ها بارها تهم‌علم کرده و سده راه شیرت‌اشوزرتشت در ارشاد مردم بسوی یکجا پرستی شده‌اند.

روسا و کابنان دیوسینا نام گویان و کرپان اویش مزارت‌های بسیاری برای پیغمبر وجود آورده و در بدو روز و صخره‌ساختن مردم کوشش نمایند که گاهی اشوزرتشت را کندنی شیرت کار خویش به تیره‌ساید و زبان بگویند یا





هیچگاه در ایام او نسبت به امروزه از خلی و اردنی کرده. گمانا نشان میدهند چنانچه دستور بزرگ صبر و یکسانی پس از تلاش و کوشش بسیار و مواجه شدن با ناکامیها و زخم زبان ماسر انجام در همین سال ناموریت خویش موفق شود پس عمومی خویش میدوید ماه و چند تن از خویشان نزدیک خود را بین همی در آورد و دو سال بعد چون پیغمبر در غرب ایران نفیختی بست نمی آورد بسوی شرق بلخ روی آورد و شتاب شاهشاه زورمند کیانی را پس از حجت و مناظره های طولانی با دشمنان در بار کیش خود دریا آورد و با او جاماب و فرشتی که از وزرا و افراد بسیار سرشناس فرزانه کشور اندین همی را قبول و با کتک آنها کیش زرتشتی مزدیسنی جهان رو کجترش میرد.

در گمانا از کتاب فرشتی و جاماب و میدیو ماه بعنوان ایران بسیار با فوایدترین استنباط زرتشت نامبرده شده اند. دستور بزرگ نامبرده گان را از اعضای برجسته انجمن معانی انجمن برادری و آزادی می شمارد. اعضای این انجمن بنام منخ یا کت یعنی بزرگی و بزرگواری و فرزانی معرفت و افراد می از هر لحاظ بزرگواری، آزاده و فرزانه بهار می آید، ریاست این انجمن با خود او زرتشت بود. نکته مورد توجه دیگر در گمانا است که او زرتشت بیشتر روی سخنش با دانیان و بزرگان است تا کید دارد که تنها این گروه پیام او را بشنوند و دیگران برسانند زیرا دستور پاک نیک میداند که انجمن نادان و کور دل قادر به درک زرفای پیام راستین او نبوده و نخواهند توانست برابر آن رفتار نمایند و بیشتر تابع احساسات خود قرار خواهند گرفت.





گرچه پسر در ساندن پیام خود بطبقه روشنگر و دانا بیشتر توجه دارد ولی مکرر توصیه می‌کند که فرزندان  
و فرزندان باید جاهلان و نامخردان دانش بیاموزند و در شناخت راه از چاه آناز یاری نمانند چنانکه  
در بند ۱۷ از باب ۲۱ اینودکات میفرماید :

« ... دانا باید بادانش خویش نادان آگاه سازد انشاید که نامخرد گمراه مانده »

اشوررتشت پس از یک عمر تلاش و کوشش و انجام ناموریت ارشاد و در سبزی مردم جهان بوسه  
راستی و تبحر پرستی سرانجام بنابه بند اول و هشتاد و نهم خواستهایش به تیرنج می‌آورد  
شده و از یک زندگانی نسبتاً طلالی و سراپا پارسانی و خوش و خرم برخوردار گردید حتی کسیانکه  
با دشمنی داشتند و اذیت و آزارش میکردند تغییر رویه داده و حاضر شدند نتحان حکمت بار و اندیشه  
را تخمیزش را بگوش هوش بشنوند و باو احترام گذارند و در گفتار و کردار از آئین همی پیروی کنند .  
چنین بود زندگانی سراپا کوشش و تلاش و حضور بزرگ ایران پیام آسمانی او .  
امید است علاقمندان بختار و پیام اشوررتشت بفارسی روانی که از تمام نخبه‌های گاتابا  
رده شده است بهره نیک گیرند و در زندگانی بکار برند .

در پایان لازم میدانم نظرات روان‌شان و دکتر ایرج تاراپور و الا استاد و عالیقدر خویش و  
نیز پر وفور سید انگلیسی را در مورد سرودهای آسمانی زرشت برای اطلاع خوانندگان محترم در زیر یاد  
دکتر تاراپور و الا در مقدمه برگاتابای خود میسنوید :





« تنها کسی که باز درون خود پی برده و با کوشش سختی ناپذیر برای پاک کردن مغز خویش از هر گونه پلیدی و اندیشه های ناشایست طریق روحانی را طی کرده اند می توانند بزرگ گنهار و مغنا هم درونی سخنان پمیران بزرگ نائل آیند. بنیان گذاران او یان و سرانیده گاتا نا از روی خرد و دانش بسیط و پرزرب سخنانی پر از حکمت و فلسفه ایراد کرده اند. گنهار این نوابغ جهان نیستی است. « جا بلانده را کردن تیری در تاریکی دانست. « و یا آزا با صر فهای نامفهوم شیر خواری تشبیه کرد؛ بلکه باید سخنان زبور را تراوشات کلری شخصیت های نامدار و دانشندان سرگی دانست که در جبهه کمال رسیده از سوی خداوند یکتا به آنها الهام شده است. پایسبران بزرگ حقایق آموزش های خود را به شاگردان و پیروان اولیه خود تعلیم دادند و نسلهای بعدی سوختند آنطور که باید و شاید گنهار پمیران خود را درک کنند بنا بر این رفته رفته موهوم و مخوف افغان که زاینده جبل و نادانی است آموزشهای حکیمانانه آن را در مردان بزرگ و نجات دهندگان بشر را نشو و در پشان ساخت. »

« تاریخ کلمه مذاهب نشان میدهد که بنیادگذار یک مذهب همیشه گنهارش از روی دانش و حکمت و نبی و بصیرت بوده الهامی از جانب خداوند یکتا است و خود بنیان گذار دارای شخصیت ممتاز و مافوق بشر عادی بوده و یا یک بر مردی باشد. مزید آن و پیروان اولیه نیز که همزمان با پمیر بوده و یا چند سالی بعد از او آمده اند از لحاظ فهم و ادراک و بصیرت بموضوعهای مذہبی و بحثهای اخلاقی نسبت به اشخاص متوسط و عادی بسیار برتری داشتند ولی تا آنجا که با گذشت زمان موهوم





و خرافات و روشناسی ناپسند وارد آیین پاک و بی آلائش بنیامگذار آن گردید و بر وزمان طای  
تعالیم هوولی پمیر را گرفت»

از بین اوستا شناسان غرب استا پر فوسرینز انگلیسی نظراتی بسیار زیبا و خردمندانه  
در باره کاتاها و متون آن دارد که در مقدمه کاتاها می خود آورده در زیر قسمتی از آن را نقل می نماید :  
« گفته امی که در سوره های آسانی کاتا بیشتر از هر چیز دیگر توجه را بخود جلب میکند آنست که  
تمام قدرت در دست پروردگار توانائی است بنام اهورا مزدا. نامبرده دارای شش فرزند یا پوتوسی است  
بنام اشا سپندان یا جاویدانهای مقدس، آتش مظهر پاکی و قدرت خداوند و سرش مظهر فرمانبردار  
از او امر آئی نیز مانند اشا سپندان تجسم یافته است و در کاتاها مورد احترام و اهمیت میباشند.  
ضمناً از دو نیرو یا دو مینو بنام سئتا و اکره صحبت شده است که لازم و ملزوم یکدیگر بوده و  
با اتحاد یکدیگر خیر و شر را در جهان هستی بوجود آورده و در نتیجه موجب مکافات و مجازات شده اند.  
حقیقت آنست که بهشت و دوزخ بصورتی که مردمان روشنگر امروزی با آن آشنائی دارند  
و جنبه معنویت دارد برای اولین بار در کاتاها ذکر شده است».

• بشرایان دراز مانند طفل از ترس و حشت دوزخ و پنج و خدایهای گوناگون پس از مرگ بخود  
بیلزید و از لذایذ و نعماتی که در بهشت برخوردار خواهد شد شادی مینمود و صورتیکه زرتشت در روزگار  
بسیار کهن این حقیقت را آشکار ساخت؛ که پادشاهت و مجازات دوزخ امری درونی و معنوی است







و بهشت و دوزخ همان راحتی اندیشه و آسایش وجدان و ناراحتی نکردن فدا بندگان باشد،  
آموزش این نکته در تغییر عادات و روش فکری ایرانیان باستان بسیار مؤثر بود.»

پروفسور سیلز اضافه میکند «در گاتانا برای راهبانی نیکوکاران پرویی از دستور مآثره،  
کلام مقدس و پرورش اشا پسندان پرتوهای خداوندی تأکید شده است. در صورتیکه با پیشان  
وسیه دلان را در گاتانا می بینیم از سوسه های اکومن یا اهرمین همراه گردیده و بر شکاری و شکاری  
خود مشغولند بطوریکه روان آفرینش از شکرهای آنها بستوه آمده و بدرگاه اهورا پناه میرود، گوش  
مردمان در ستکار و با تقوی برای تأمین زندگی از راه مشروع با مخالفت دیو پرستان که سعی دارند  
عیسای غم مزو پرستان بر کشور ایران کفرمانی داشته باشند مواجه میگردد. سرانجام با درخواست مردان آفرینش  
آشوزشت برای ارشاد و نجات مردم تعیین نوید داده میشود. از آن بعد بیک سلسله نیایش و آسایش  
و درخواست و موعظه و اندرز بر میخوریم.»

تشت  
«در خلال گاتانا با بجهنمای خونین و حمله دشمنان تکیا پرستی بر میخوریم ولی سخن کلام زشت  
و سپاسگزاری او بدرگاه اهورا در آن سبک نیستیم که پیر بر نصیحت شایانی بدست آورده در امر ارتقا می ذکر کرده است  
اما راجع با سبک زشت که بود در کجا زندگی میکرد و چه موقع از ما در زاننده شد و فیروز چرخین میسید  
«زشت یک شخصیت تاریخی است و در وجود او، هیچگونه تردیدی نمیتوان داشت. در مورد  
اینکه سرودهای مقدس گاتانا با زشت و نزدیکانش نسبت داده شده است برای من شک نیست ابهامی





وجود ندارد. گرچه امکان دارد استهالی از گاتاها بعد از او سرودهای آسمانی زرتشت شده باشد بهمهذا بطور کلی مضامین گاتاها یکپارچه بوده حتی عبارات و جملاتی که بعد از این کتاب آسمانی منجمله شده با مضمون و مفاد اصلی گاتاها شباهت کامل دارد و از لحاظ ظاهر کلام نیز با آن منبایرتی ندارد.

علتی ندارد که نام زرتشت بعنوان محبوبترین عزیزترین نام برای بشر باقی مانده باشد مگر اینکه صاحب این نام دارای چنان شخصیت برجسته ای باشد که شاهنشاه با قدرتی چون کشتاب با تمام افراد قلمرو خویش مجذوب بیانات شیوا و اندرزهای حکیمانه خود کرده باشد. در گاتاها مواردی هست که بطور واضح سرسایده این سرود را نشان میدهد. مثلاً در بند ششم از نجات «هینا» نشتنگات آمده است که: ای اهورمزدا نگهدار کسیک صدای خود را با سرساییدن کلام مقدس بلند کرده است و او زرتشت دوست فادارتوست از روی راستی دستورهای الهی را بروم جهان بلانخ و آنها را ارشاد نماید» و باز در اینمورد ادامه میدهد:

«سراسر گاتاها از لحاظ قافیه و اوزان شعری و استعارات و اصطلاحات و عبارات یکجوا و یکپارچه بوده و تردیدی نیست که اثر اندیشه و تراوشات فکری کنفر بطور مستقیم یا غیر مستقیم مویز است. حال اگر فرض کنیم زرتشت سرسایده گاتاها نیست پس شخص بی نام دیگری که اندیشه روح و قلب و ضمیرش در راه اشاعه و انتشار مذهب یثا پرستی صرف گشته است باید این مهم را انجام داده باشد. اهمیت زرتشت را میتوان در اقدامات شخصی همیر دانست. گرچه نام ویشتاب فرشتتر





و جاماب هم درگاتا ذکر شده است ولی نمیتوان سخنان کتاب آسمانی را از آنها دانست زیرا سرانیده  
سرودهای آسمانی از لحاظ شخصیت و تفکر براتب از آنها برتر بود.

« چیزی که روشن است اینکه در سراسر آیات این کتاب آسمانی روح کیفی تنظیم کننده و در  
روحیه شاکر دهن احساسات کین است تا دخی و تقابل میکند.

« راجح خصوصیات ویژه این آموزگار بشری با تعالیم ارزنده است که در کتاب گاتا با گنجینه  
شده است. در هیچ عصر و زمان در هیچ جای جهان تا آنجا که مدارک و شواهد در دست نشان میدهد  
شخصی وجود نداشته است که چنین اندیشمندان و پر مغز سخن گوید. گرچه امروز برخی از جهان افکار بلند  
جنبه فلسفه های مذهبی و اخلاقی پیدا کرده است ولی تا آن زمان هنوز چنین اندیشه های شگرف و  
سخنان گهربار را کسی بر زبان نیاورده بود.

« طرز تفکر و بیان شیوا می همیر کا ملا و ترکی داشت. در هر یک از واژه ها و عبارات و  
نوشته های اندیشه ای شرف و پر مغز منقته است. مهارت و استادی او در بیان حقایق عرفانی  
بی نظیر است. اندیشه بلند و شگرف او در تبیین بخشیدن بفرزگان ویژه پروردگار بصورت  
اشا پسندان که پرورش آنها موجب تزکیه روح و دستگیری بشر میگردد چنان استادانه بیان شده است  
که دانشمندان عالیقدر امروزی از درک اینکه اشا و هومن بصورت فرشتگان و اشا پسندان تجسم  
یافته و یا اینکه اندیشه و اراده خیرخواهانه پروردگار است که در انسان تجلی پیدا کرده است عاجز میباشند...





« ارزش اندیشه و گفتار پیرایه باستان را باید از نقطه نظر زمان و مکان سنجید بدون توجه باین  
 دو عامل هم دوری صحیح در مورد زرتشت امکان ندارد. به نسکایکه خوانده گاتاها بزبان بسیار کهن  
 که این سرود های مقدس سرسایده شده و بدین نسبتاً ابتدائی عصر می اندیشد از بیان چکانه پیمبر ایران  
 ناگزیر زبان پختن و تمجید میگوید .

« راجح با احساسات شخصی زرتشت میتوان گفت از نسبت باهور فرزند ایمانی ظل نا پذیر و استوار  
 دشت و با دشمن میوزید . واژه زرزدا یعنی Zaradaiti که دارای مفهوم خلوص نسبت به صفا  
 باطن است در مورد پیر ایران مصداق دارد. از مفاد گاتاها می بینیم که آشور زرتشت شخص باشامتی بوده  
 ولی از جنگ و خونریزی پرهیز داشته است . در مقابل سختی او و ناهمسوارها خود داری زیاد می نمود ولی  
 برای فیروز شدن بر دشوارها ایستادگی و سر سختی نشان میداد .

« در گاتاها همه چیز جدی و واقعی است ، روح آفرینش بطورش اعترافه در حال استغاثه است و اهورا  
 و ماشا پسندان را در حال صحبت کردن و گوش دادن دیدن می یابیم ... همه چیز در گاتاها عملی است ،  
 گزرها ، بندو ، گویان و گرپان و او سنجش ، دشمنان زرتشت غولهای افسانه ای نیستند . هیچ مار و اژدها  
 مردم شهروستار تهدید نمی کند و هیچ پهلوان افسانه ای از مردم حمایت نمی کند . زرتشت فرستار  
 جاماسپ ، میدویاه ، اسپنتمان ، نووگوو ، سیچد مپ از شخصیت های واقعی هستند که بطور ساده  
 و بی تکلف از آنها نام برده شده است بجز الهام و وحی آسمانی که در اثر اندیشه و فکر عمیق بزرتشت





میدهد. در کاتانایا از مجزات و کرامات خبری نیست، فعالیت انسان در اطراف تلاش و کوشش و غیره  
طبیعی برای رستین و نج بودن دوریزند، کجغرافیا و ستاسان چنانچه اول کاتانایا را خوب مطالعه نماید و بعداً  
بیشتر داد و زیاده بر پردازد، در واقع میتوان گفت چنین شخصی از عالم حقیقت به سرزمین افسانه‌ای قدم خواهد گذاشت  
« در کاتانایا پایسبری را می‌بینید که در حال تلاش و کوشش و تحمل سختی و مشقت است، در صورتیکه در ششها  
همین سخن را بصورت نیمه‌خدای افسانه‌ای می‌شنید، هر چند افکار هوولی افسانه‌ای ششها و زیاده  
کمن بوده و برخی از آنها ستانایا در گیت دیدهند و بنیز کمن تر می‌باشد ولی بطور کلی زمان  
تدوین شش داد و زیاده بسیار متأخرتر از کاتانایا می‌باشد.

« من (میلز) تصور میکنم کاتانایا کشته از سایر قسمتهای اوستا مورد بشرد و قرار گرفته است و چنانچه  
عبارات و جملاتی از خارج در آنها گنجانده شده باشد یا از روزگار ان کمن بوده و با شباهت بسیار زیاد  
با اصل متن داشته‌است، آن قسمت از کاتانایا را که بعداً در متن اصلی گنجانده اند با احتمال قوی کارشکاران  
اولیه زرتشت می‌باشد که همان روحیه و ایمان اخلاص استاد را در نوشته‌های خود حفظ کرده‌اند».

پروفسور میلز در پایان مقدمه خویش بر کاتانایا می‌نویسد:

« گاهی برخی از دوستانم می‌پرسند چه چیز باعث شد که به آئین زرتشت و مطالعه کاتانایا روی آورده‌ام  
در پاسخ باید بگویم من در سنین جوانی اشتیاق فراوانی بمطالعه و تحقیق در رشته عرفان و تخصص در این علم  
داشتم. در سال ۱۸۷۲ میلادی که به اروپا آمدم این رشته را دنبال کردم. بعد عاشق و شیفته فلسفه





کانت شدم و مدت‌ها نینس روی این فلسفه کار کردم ولی سرانجام برای پیدا کردن بیدار و اصل عرفان بزبان  
زند و اوستا روی آوردم و فهمیدم که تمام این رشته ها مانند دانه های زنجیر بهم تنگلی و ارتباط دارند  
و انسان را بر حسب حقیقت و حقیقتی را بنام می کنند»

پیش گفتار خود را با سخنان نغز استاد پروفیسر میلاز استا شناس انگلیسی دارستر فانسوی پان منشم  
«برگناه برای تاریخ انکار بشر ارزشی قابل گزیم باید گفت استقامت همی را در این تاریخ  
تخصیص خواهد کرد»

«اوستا نه فقط کمین ترین اثر جادو دانی از افکار آریائی را با ما ارائه میدهد بلکه از نظر تأثیر عمیق  
و وسیعی که در ادیان یهودی و مسیحی داشته است مقام مؤثری در توسعه مذہب و سر نوشت بشر کسب  
کرده است.» (میلز)

«کم درآمدترین در مانده ترین فرد در تشریح خود را سر بازی میداند که باید برای فیروز می راستی برود  
و نیکی بر بدی مبارزه کند، هیچ مذہب دیگری نمیتوانست در یک فرد احساسی بوجود آورد که اینقدر نسبت به  
زندگی خوشبین باشد و برای زندگی ارزش قابل گردد و آزاد دست داشته باشد، کسی که طمینان دارد  
در پر تومی دکوشش بر مشکلات زندگی چیره خواهد گردید، ستم سکت در اندیشه او راه نخواهد یافت و همین امر  
باعث شده است که زرتشتیان پس از گذشت طوفان های سنگین و بلا یایی خانمانوز هسنوز پای جا  
مانده در هندوستان از همه پیشرفته تر و در جهان ترقی پیشام تر از همه روبروی فروغ و روشنائی با





با کاروان تمدن همگام بجلوسیتمازد»، «دارمستر»  
 امید است خوانندگان علاقمند بپوشه زرتشتیان از گفتارهای نغز و پراگمات استوار  
 درس زندگی و انسانیت بیاموزند و آموزشهایش را در زندگی بکار برند تا هم در جهان کامروا هم در  
 عقبی دستگیر گردند.

در پایان لازم میدانم از زار و مرد خیر اندیش و وارسته‌ای که هزینه چاپ این کتاب را  
 تقبل فرموده و حاضر باشی نام خود نباشد سپاسگزاری کرده و دیر زبوی و بهر زبوی شاد زبوی  
 فیروزی او و خانواده ارجمندشان را از تخیل امیرای توانا خواستار گروم.

روز سه‌شنبه و امرداد ماه ۱۳۵۰ یزدگردی

برابر با ۳۱ / ۵ / ۱۳۶۰ خورشیدی

مؤید فیروز آذرگش





## سرآغاز آهنگان بیت ۲۸

سراسر اندیشه و گفتار و کردار اشوزرتشت الهامی است از سوی خداوندیجا که انسان را  
بسوی رسائی و خوشبختی راهنمایی میکند «پاکان جاودان» «پرتوهای ابهرائی»، «سرودهای مقدس  
گاتا» را فریاد پذیرید و با نماند ایمان داشته باشید .

ای گاتا های مقدس با کمال احترام بشمار و دستگیرم

### بند ۱

پیش از هر چیزی ای دانای بزرگ نیکی من برای منوی ، بادستهای برادر داشته ترا مبارک  
و خوشبختی کامل را خواستارم ، پروردگارا بشود که در پرتو راستی و درستی و بر خرداری از خرد و دانش  
و ضمیر پاک روان آفرینش را خوشنود سازم .

### بند ۲

ای هستی بخش دانای بزرگ هر آینه با اندیشه ای پاک دلی روشن تو نزدیک شده و بدیدار  
نایل جو احم شد . پروردگارا پاداشی که تنها در پرتو راستی بدست یساید و نمونین را خوشبخت میازد  
در هر دو جهان مادی و معنوی مبارزانی دار .

### بند ۳

ای هستی بخش دانا ، ای آشا و ای دهنمن د مظهر راستی و پاکی و اندیشه نیک و مهرورز







«هنودکات - ات ۲۸»

مردم، سرودائی میسریم که کسی پیش از این نسروده است .  
 آرزو دارم بوسیدہ آشا، و ہونمن و خشرای فانا پذیر (مظہر قدرت ارادہ خداوند)  
 حس ایمان و فداکاری دست بجان افزایش یابد . پروردگار ادرخواست مارا بپذیرد بویمان  
 روی آورد و با خوشبختی ارزانی دار .

### بند ۴

در پروانڈیشہ پاک روم را ہوی فردوس رہبری خواہم کردہ با آگاہی از پاداشی کہ حسدای  
 ہستی بخش دانا برای کارہای نیک مقرر فرمودہ است کوشش خواہم کردہ تا آنجا کہ مراتب و توان است  
 مردم را با آموزش کہ برہستی گرایند و دستی مپشہ سازند .

### بند ۵

ای آشا، مظہر راستی و پاک، کی بزیارت تو نایل خواہم شد؟ ای و ہونمن مظہر اندیشہ نیک،  
 آیا بادش آگہی و خرد واقعی ترا خواہم ساخت؟ آیا با فرمانبرداری از ذای وجدان  
 فرمان اہورانی ہوی ہستی بخش دانا و توانا را خواہم یافت؟ بشود کہ در پروکلام مقدس ہنیروی  
 بیان گمراہان را بہ برترین راہ کہ ہما را راہ راستی و نجات پرستی است رہبری کنم .

### بند ۶

پروردگار اچانکہ در گفتار آسانی نوید داده شدہ است در پروانڈیشہ پاک در راستی ہوی





۱۰ بندگات - ات ۲۸

آسی و مارا از بخشایش دیر زوی بر خوردار ساز ، ای هستی بخش دانا بزرتشت و همه دوستان او  
نیردی معنوی و شادمانی بخش تا بر کینه دشمنان خود چیره گردند

### بند ۷

ای آشا آن بخشایشی که ثمره اندیشه پاک است با ارزانی دار ، ای آرمیتی آرزوی بخش  
و سپردان مارا بر آورده ساز ، ای خداوند خرد و با بندگان خدا کار نیر بخش تا فرمان بهدست ترا بجانیا  
بصمانیم .

### بند ۸

ای هستی بخش ، ای برتر از همه و با بهترین راستی هم اراده ، از تو قلنا آرزو دارم که به  
فرشوستر نامدار و یارانم و همچنین بجانی که از بخشش جاودانی و نیک اندیشی برخوردارند بهشت  
ارزانی داری .

### بند ۹

ای اهورامزدا ، هسواره کوشش میکنم سرودهای ستایش خود را صمیمانه نیازت کنم  
و همچگاه آشا و وهرمن (مطاهرپاکی و نیک منشی ، راجنشم نیاروم زیرا آشا ، وهرمن و خشترا ای  
توانا اسن او ار ستایش میدانم ۱۰۰)

۱- آشا ، وهرمن و خشترا ، پر تو های سنگانه اهورامزدا میباشد که عبارتند از راستی ، نیک اندیشی و محبت بهمنوع  
و خدمت بردم با شریاری برض که سزاوار ستایش میباشد زیرا اینها نوزگان جلوه آئی هستند از خود اهورا .





## بند ۱۰

ای هستی بخش دانا، هر آینه آرزوی کسانی را که در پر تو راستی و اندیشه پاک از نظر تو روشن  
و در شکر و ارشاد شناخته شده اند بر آورده ساز، چه برستی مید انم تائیس ای خالصانه دلی یی بندگان  
تو که دارای بدنی عالی و نیک اند بلا اثر دلی نتیجی نخواهد ماند.

## بند ۱۱

بشود که با این نیایش همیشه از نعمت راستی و اندیشه پاک برخوردار گردم. ای آفریننده  
بزرگ دانا از راه حسد و بغض و الهام راز پدید آمدن آفرینش را از روز ازل بمن بیاور به حقیقت را  
بر دم جهان آشکار سازم.

## «ایزدهکات» یسانات ۲۶ - بند ۱

پروردگارا روان آفرینش بدرگاه تو بگذرند است برای چه مرا بیا فریدی؟ چه کسی مرا کالبد  
هستی بخشید؟ چشم و تیز و چپاول و غارت و گستاخی و تجاوز همه جار منم اگر توه، مرا بفر تو پشت  
و پناهی نیت بنا بر این نجات بخشی که توانم از این تخنارانی بختی بمن نشان ده.

## بند ۲

آنگاه آفریننده جهان د اهورا مزدا، از آتشا پرسید چه کسی رهبر و نجات دهنده مردم  
جهان خواهد بود تا ما تو انیم پشتیبان و یاورش باشیم و بد او نیروی آباد کردن جهان گسترش راستی

۱۱. نظر راستی پاک، تقوی و پارسائی، گذشته و خداکاری شهادت مردانگی و داد و انصاف، نظم بهیست، اسان دادن



«انودکات - ۱۰۲۹»

بخشیم. ای اش آیا چه کسی را مای بنوان سردار و بر سر مردم جهان برگزینی تا بتواند سپاه بداند  
دگر امان را در بهم بکنند چشم و نفرت را دور سازد.

### بند ۳

آشا به اهورامزدا چنین پاسخ داد، آن سردار و بر سر مردم که برای جهانیان برگزیده شود مستلماً  
بیدار گردد و مستقیم بشیفته بگله شخصی بی آزار و مهربان است. از زمین کسانیکه در این جهان  
خاکی زندگی میکنند گرچه کسی را نمی شناسم که بتواند نیکوکاران را در مقابل تبه کاران حفظ کند ولی  
قطعاً او باید نیکو و نسنده ترین فرد در میان مردم باشد تا بدخواست او بیاریش شتابیم.

### بند ۴

بیجان اهورامزدا بهتر از همه آگاه است که در گذشته چه کارهایی بوسیله بت پرستان بود امان  
آنها سر زده و در آینده چه کارهایی بوسیله آنها انجام خواهد شد چون داوری این کار تنها با اهورامزدا است  
بنابراین آنچه خواست اوست با امان خوشنودیم.

### بند ۵

ای دیون من در روان آفرینش برود با احترام و دستهای برافراشته اهورامزدا را تسلیش کرده از  
او خواستاریم که هرگز بیکوکاران پارسایان بر سر آنها نراندی زسد از خود دشمنان بدکاران امان باشند





«ابن‌الکاتب ۱۰۲۶»

بند ۶

آنگاه ابورامزدای دانا که بدانش خویش می‌سروی حیات می‌بخشد چنین گفت:

آیا کثیر سرور و نویی شایسته و یا یک رهبر و نجات دهنده روحانی را که سرشار از پاکی و پرستش‌کاری

باشد نمی‌شناسی؟

آیا چنین نیست که آفریدگار ترا بعنوان پاسبان و نخبان آفرینش برگزید و مویت چهار اتوبه بخشید؟

بند ۷

«ابورامزدا به سخنان خود چنین ادامه می‌دهد:»

این سرور و مقدس جو ششختی افزای (یعنی ابونور) از هستی بخش مطلق است که اراده اش با اش

کیان است و پروردگار پاک آنرا برای مشرفیت جهان و سعادت مردمان درست کرد و از نازل فرموده است.

دیس از کمی گشت ابورامزدا باز به سخنان خود ادامه داده می‌فرماید:

ای و هو من، کیست آن نجات دهنده‌ای که تو در نظرداری و می‌تواند مردمان را یاری کند و آنها را

از گمراهی نجات بخشد.

بند ۸

ابورامزدا می‌فرماید:

چگونه کسی که بدستورات الهی گوش فراداد و بن او را خوب می‌شناسم همانا زشت پندمان است.





تفاوت که خواستار آموزش آئین راستی و سرودهای تائیس مزد است با بر این باو شیوالی  
بیان خواهیم بخشید .

### بند ۹

آنگاه روان آفریش با بگت بند گوید : آیین باید بدون چون چرا پستی تانی شخص تا توان  
قبول کرده و بنجان او گوش دهم ؟ راستی مرا آرزوی شهریار نیر و مند و توانائی بود . آیا چه وقت  
چنین شخصی برای یاریم با خواهد خواست و با بازوان نیر و مند خود مرا حمایت خواهد کرد .

### بند ۱۰

ای اهورا مزدا و ای آشا به اینها (زرشت و پیروانش) نیروی معنوی و توانائی بخشید  
ای و هوسن تو نیز به زرشت آن را (یعنی نیروی اندیشه و هوش و خرد سرشار) ارزانی داراد  
پرو آن بجهت بیان آرامش و آسایش بخشید - ای دانای بزرگ ما همه او را برگزیده ترین آفریش  
و شایسته ترین فرزند تو دانسته و بر بهری خویش می پذیریم .

### بند ۱۱

روان آفریش بنجان خود ادا رسید بد :  
آشا، و هوسن و خسترا چه وقت با روی خواهند آورد؟ کی ای مزد آئین ترا نخبم بزرگ معان  
خواهند پذیرفت . ای هستی بخش اینک که برای ما یار و مدد کار رسیده است ما هم آماده ننگداری هستیم .





## توضیح

آشا، دُهوْمَن دَخترا بترتیب مطا هر راستی و پاکی، اندیشه پاک و عقل دُخرد  
 و نیروی خدمت بخلق کجک به مشیرفت و آبادانی و شهریاری برهوامی نفس است،  
 روان آفرینش میگوید: پروردگار ما را از فرزندکان دُیره نامبرده برخوردار سازد.  
 ضمناً منظور از انجمن بزرگ مغان، انجمنی است که از زرتشت و یاران و فاداران او تشکیل  
 شده است و یا عبارت دیگر بسته آدویه ای است که دکترش آئین نوین  
 یعنی کیش زرتشت کجک شایانی نمود.

باید در نظر داشت که این نامت بصورت نایشی برگزار شده است که نقش مهم آن را  
 روان آفرینش یا نماینده مردم جهان بازی میکند و آشا و دُهوْمَن (آشاسپندان)،  
 و خود اهورامزدا برای نجات بشر از انیمه ظلم و پستم پس از یک رشته پرسش و  
 پاسخ اشوزرتشت را شایسته ترین فرد برای این ماموریت دانسته و او را بعوا  
 رهبر برای ارشاد مردم برمیگزیند.





## بند ۷

«انزوکات. ات. ۳۰»

کسی که از نیروی معنوی و منش نیک و راستی و پاکی برخوردار باشد و آری متی با عیش و این  
جالبه و پاداری و استواری بنجد بجان چنین شخصی در آزمائش سخت زندگی فیروز گردیده و در فرقه  
بندگان نیک تو ای پروردگار محسوب خواهد شد.

## بند ۸

همگامیکه بزرگاران بکفر گمانان خود رسند آنگاه ای خداوند جان و خرد در پرتو انیسه  
پاک قدرت ترا درک کرده و این حقیقت را خواهند آموخت که چگونه باید در برانداختن دروغ و  
کژمی و گمان بفروری راستی و پاکی کوشش کرد.

## بند ۹

پروردگار ایشود که مانند کسانی که حجب ان را بسوی تکامل آبادی پیش می برد از بندگان  
و فادار تو باشیم. ای خداوند جان و خرد و ای هستی بخش بزرگ بشود که در پرتو در راستی پاکی  
از یاری تو برخوردار گردیم تا زمانی که ما دستخوش بدگمانی و دودلی هستیم ندیده طلب یا چپا چه تو تو چه پیدا کند.

## بند ۱۰

زمانی که بجهان دروغ سکنت و تباهی فرارسد آرزوی متبلی کسانی که خوشنامی یکنی  
معروفند برآورده شده و از نعمت سرای خوش نیک منشی و راستی بارگاه پر فروغ نزا (یعنی شبت)  
برخوردار خواهند گردید.







«هنودکات - ات ۳۰» بند ۱۱

ای مردم هرگاه غنچه شادی و بخت را که حسد او ز خرد مقرر فرموده است  
 بیا موزید و در یابید که در و غلویان و تبه کاران کجمنه دیر پا و چار و  
 دست کرداران پاکان از سود بی پایان خوشبختی بهره در خواهند کرد  
 آنگاه در پرتو این صل نجر پسندی حقیقی در تجارتی نایل خواهید شد.





## «ابودکات» بات ۳۱ یسنا بند ۱

ای جویندگان دانش! اکنون آموزش و پیامی را که تا بحال شنیده نشده است برای شما آشکار خواهم ساخت. این پیام برای کسانی که از روی تعالیم نادرست و (دوسه های شیطانی) جهان نیکی را تباہ سازند ناگوار می باشد، ولی برای دلدادگان فرزندان، خوشایند و دوستی محبت است.

### بند ۲

چون دوسه های شیطانی مانع از آنست که راه بهتر را آشکارا دیده و برگزینید باین خداوند جان و خرد مرا برای رهبری شما برگزید تا زندگی کردن برابر آئین راستی بر دو گروه نجان و بدان بیاورم.

### بند ۳

پروردگارا در پر تو فروغ مینسوی با چه خواهی بخشید؟ آیا آن سعادتنی که در پر تو راستی پاکتی بدست یاید و همه وعده شده کلام است؟ در مورد انایان چه فرمانی داده شده است؟ ای خداوند خرد مرا از تمام این حقایق آگاه ساز و با کفایت الهام بخش خود مرا روشن نما تا همه مردم با من راستی ارشاد کنم

### بند ۴

ای خداوند خرد و ای امانت سپندان لطف و عنایت خویش را از ما دریغ مدارید تا در پر تو

(۱) دلدادگان فرزندان هستند که به خداوند احسان میورزند و ایمانی صادقانه دارند.





«ایهذکات: ۲۱»

فروزگان راستی و پاکی، عشق بی آلاینش و فروتنی و اندیشه پاک و نیروی معنوی کب کرد  
و با پرورش آن برهواخوانان دروغ فیروز کردیم

### بند ۵

پروردگارا برابر بر آئین راستی راهی را که بتراست بمن نشان ده تا آرا برگزینم، در پرتو  
اندیشه پاک مرا از پاداشی که بخوردار خواهم شد آگاه ساز تا احساس شادی و سرور کنم.  
ای خداوند جان و خرد مرا از هر سه چیز آگاه ساز، خواه آنچه روی داده یا آندیده رخ خواهد داد

### بند ۶

دانی که آئین راستی را گسترش دهد و مردم را از پیام مقدسی که آنها را برسانی جاودا  
و حقیقت برهنون است آگاه سازد از بهترین خوشبختی برخوردار خواهد شد.  
چنین شخصی بجان از نیروی اهورانی که در پرتو منش پاک افزایش می یابد بهره مند خواهد گردید.

### بند ۷

اوست نخستین اندیشه گرمی که با نور خود افلاک را درخشان ساخت و با نیروی خود جوش فانون  
راستی میافرید تا نیک اندیشان را یار و پشتیبان باشد. ای خداوند جان و خرد ای کسیکه  
همیشه در همه حال بکیانی با روح مقدست فروغ ایمان، را در قلب ما برافروز





« این دو گات . ۲۱ »

### بند ۸

ای خداوند جان و خرد ، بس گامیکه در اندیشه خود ترا سسه آغاز و سر انجام هستی شناختم  
آنگاه با دیده دل در یافتم که تویی سر چشمه منش پاک که تویی آفریننده راستی و اور دادگری که  
کردار مردمان جهان را داری کنی .

### بند ۹

از آن توست آرمی ، از توست حسه و منوی جهان آفرین ، ای خداوند جان و خرد  
تو بهندگان خویش نیروی اختیار راه نیک و بخشیدی تا اینکه راهی برگزیند که راهها بد آن  
گرویده و یا آنکه ره بر غیر واقعی نشان داده است . دیبارت دیگر بسوی راستی در بر حقیقی گریزند  
یا بسوی دروغ در بر غیر واقعی روی آورند .

### بند ۱۰

انسان باید از زمین این دو سروری راست کردار و پارسا و آفریننده منش پاک را بنوا  
پشتیبان در برهه واقعی برای خویش برگزیند . پروردگار را با در برهه فریبکار با ظاهر بسایکی همچو  
از حافظه ای نیرومند بهره ور گردد .

### بند ۱۱

ای خداوند خرد و حکامی که در روز ازل جسم جان آفریدی از منش خویش نیروی آفریننده





«بندگات - ات ۳۱»

و خرد بخشیدی، زمانی که متن خاکی روان دیدی و به انسان نیروی کار کردن سخن گفتن؛  
به سری کردن عنایت فرمودی خواستی تا هر کس بدخواه خود و با کمال آزادی گش خود را بگزیند.

### بند ۱۲

همان گاه چه در و علو و در استکلو و چه دانا و نادان هر یک عقیده ای را که در دل آید  
دارد آشکار خواهد ساخت و هر جا تردید و دودلی وجود داشته باشد آرمی و مظهر ایمان  
و خداکاری بهنگم روان شتافته و او را راهنمایی خواهد نمود.

### بند ۱۳

پروردگارا تو از (اندیشه و کردار) آشکار و نهان همه (آگاهی)؛ همچنین آن کسی که  
برای درناتی، از خطای کوچک سخت ترین کیفرتن در دهد با خبری. پروردگارا تو همه چیز را  
با دیدگان روشن من برابر قانون اشا بقت مراقبت کرده و می بینی.

### بند ۱۴

ای هستی بخش برای آگاهی از تومی پرسم چه رویداد ما در گذشته رخ داده و آئینده  
پیش خواهد آمد، ای مزود و طومار زندگانی نیکو کاران بدکاران چه پاداش کیفری ثبت  
خواهد شد و وضع آنها در روز واپسین چگونه خواهد بود.

از تومی پرسم ای هستی بخشی که از رویداد های گذشته و آئینده آگاهی یابرای





«ابن دکات. ۱۰۱ ص ۳۱»

مردان پارسا و نیکوکار چه مقرر گشته و در روز واپسین ای مرد با پیروان دروغ و عکوفت فغان خواهند شد؟

### بند ۱۵

ای هستی بخش از تومی پرسم کفیر کسی که نیرومی دروغ و عکوفت کردار را افزایش دهد چیست؟ همچنین کفیر یکدیگر نیردیگری حسنه جدائی انداختن مین مردم با ایمان در بهر راستی نذار و چگونه میس باشد؟

### بند ۱۶

پروردگارا از تو میپرسم هرگاه شخص نیک امیث با تاب و توان در راه ترقی خانه شهر و کشور و مشرفت راستی و درستی کوشش کند از وصال تو برخوردار خواهد گردید؟ ای فردا کی و چگونگی چنین آرزویی بر آورده خواهد شد؟

### بند ۱۷

آیا که امیک از این دو شخص در پیشکردار و پارسا و یا شخص زشت کردار ناماک بتبرین راه بر خواهد گردید؟ و اما باید با دانش خویش نادان را آگاه سازد، شاید که با خرد و همراه ماند. ای خداوند جان و خرد باشد که راز و هوسن (یعنی عشق خدائی و نیش پاک) بر همه آشکار گردد.

### بند ۱۸

بچکس نباید بجزار و دستورشخص تبه کار و گمراه کننده کوش دهد، چگونه چنین شخصی خانه دزد





«انوار کلمات - جلد ۳۱»

و شهر و کشور را بویاری و تباهی خواهد کشانید، پس بر ما است که در برابر اینگونه نبردان، با سلاح پاکدلی  
و پارسائی ایستادگی کنیم و آنگاه از خود دور سازیم.

### بند ۱۹

ای هستی بخش بشود که مردم به سخنان درست اندیش و دانائی که آموزشایش در بخش  
روح و برای زندگی سودمند است گوش فرادهند و آنگاه را بکار بندند، کسی گوش دهند که  
در کسرتش آئین راستی تواناست بیانی شیرین روان دارد، ای خداوند خرد با فروغ بانگ  
دانش، سر زشت هر دو گروه (دانا و نادان) را تعیین فرما.

### بند ۲۰

کسی که بسوی راستی و پاکی روی آورد و (پارسائی را پیشه خود سازد)، جایگاهش  
سراسی روشنائی یابست خواهد بود، ولی شخص درو غلو و بدکار زمانی در بار با شیون نس  
در تیرگی و کوره روشنی بسر خواهد برد، بر راستی نیت پدید و کردار نشت شخص بز به کار است که او را  
کز قمار زندگانی نگبست بار و عذاب وجدان خواهد ساخت.

### بند ۲۱

خداوند جان و خرد از روی دانش و رسائی و بانیز روی الهام بخشش خویش کسانی را از  
بخشش کمال جاودانی، پاکی و راستی نیز روی منوی و توانائی خدمت بخلق، اندیشه پاک ضمیر





اهنودکات - ات ۲۱  
 روشن بر خوردار خواهد ساخت که در اندیشه و کردار با او وفادار باشند؛

## بند ۲۲

ای امپراتور امردا شخص خردمند و هوشیار و کسی که با منش خویش حقیقت درک میکند از قانون ایزدی آگاه است و با نیروی معنوی از راستی و پاکی پشتیبانی کرده و رفتار و کردار خود را بر بزرگوارستی نخواهد آراست و در راه گسترش راستی گام برخواهد داشت. چنین شخصی نسبت به تو ای مرزاد فادار و شایسته ترین یار و مددکار مردم بشمار خواهد رفت.



## « اهنودکات » یسنا هات ۳۲ بند ۱

برای بر خور داری از بزرگترین خوشبختی خویشان و همکاران یاران نماز گزار تو میباشند و دیوان یاد پرستندگان تو ای طبیعت نیز امپراتور امردا، خداوند جان و خرد را تسایش کرده و همگی این آرزو را دارند: پروردگارا بشود که ما هم پیام رسان تو باشیم و آمانت را بگردانیم تو نفرت دارند و در خنداریم.

## توضیح

داشته مانی که خویشان همکاران یاران ترجمه شده است و او ساختن خویش -  
 و در زیم و آئیم ما ذکر کرده و منظور شده گروهی هستند که به اشور رشت پیامبران نزدیک







۱۵ بندگات . ات ۳۲ «

بودند و از سخاط پاکدامنی و پارسائی و بزرگ منشی از سایر سپه روان برتری داشتند در بین  
این سه گروه نیز بترتیب خود مایه و خویشان بزرگت بیشتر نزدیک بوده و مورد اعتماد  
و اطمینان او قرار گرفته بودند و بعد از آنجا همکاران یاران متبردار داشتند . اعضای انجمن  
منع با و یا انجمن برادری اشو زرتشت را نیز افراد سه گروه مذکور تشکیل میدادند زیرا آنها افرادی  
از خود گذشته و نسبت به سپه و فساد بودند البته میتوان واژه ختوش *xraetush*  
با شخاص سکی منغن با اراده ای بسیار قوی نیز ترجمه کرد .

خودمانی با یا خویشان گروهی بودند که از هر سخاط شایستگی داشتند و بیشتر پیغمبرزاد  
بودند البته نه از نقطه نظر خویشاوندی بلکه از نظر دانش و بینش و پارسائی و پرستشکاری  
درستی و درستی مورد احترام و اعتماد زرتشت بودند، این گروه افرادی بودند که در راه گسترش  
دین حاضر بغدادی جان خویش بودند .

## بند ۲

ابورامزدا، خداوند جان و خرد که از روی حکمت و دانش بر جهان سروری میکند  
در پر تو شهر یاری خویش با نماند چنین پاسخ داد :- آرمیتی پاک و مقدس را که با اش

۱۵. نظریه کرده یا داشته در بند اول میباشد .

۱۶. مظهر ایمان و ندادکاری و سهر دینی





«انهدکات ۱۰ ات ۳۲»

تابناک دست نزدیک است برای شما برگزیده ایم . بکشید همیشه او را از آن خود بسازید .

### بند ۳

ای کمران بت پرست شما همه از تبار و نژاد سیه دلان و کرم نشانیان ، کسانیکه  
از شما پیروی کرده و شما زیاد از خدا احترام گذارند نیز از تبه کاران شما آیند .  
کردار فحیلانه دریا کارهای شما از دروغ و خود ستایی سرچشمه گرفته است . این  
در سر سرگستی بی نامی شناخته شده اید و مورد تفرقه مردم می باشید .

### بند ۴

ای بت پرستان شما اندیشه مردم را چنان پریشان ساخته اید که آنها کربشترین  
مغاه گردند ، از اندیشه پاک دوری جویند ، از اراده خداوند خرد سپیچ می نمایند و از این سگی  
و پاکی گریزان باشند و سرانجام از دوستان و یاران دیوان بشمار آیند .

### بند ۵

ای دیوانها! همانطور که اهرمن نابکار با اندیشه پلید خود شما را کمراه ساخت و با آموزش  
نادست و نوید سروری و بزرگی بر او همان دروغ را بگردار زشت و ناپسند و آوار ساخت  
همان گونه شما نیز مردم را کمراه ساخته و از زندگی کامل و خوشبختی جادو دانی محروم ساختید .

۱۰. منظور روح ایمان و خداکاری است . ۱۱. در اینجا منظور آرزوکاران و پیروان کیش بت پرستی هستند





«ابز دکات - ات ۳۲»

## بند ۶

شخص گناہکار و گمراه ممکن است چندی با کردار زشت خویش شهرت و آوازه ای بدست آورد ولی ای هستی بخش، تو از روی غرور و حکمت خویش همه چیز را بیاورداری و نسبت با غیره کس داری خواهی کرد. ای خداوند غرور بر استی سرانجام با برقراری سروری آسمانی تو آئین جادوئی آشاور استی همه جا حکمفرما خواهد گشت.

## بند ۷

هیچکدام از این گناهکاران از مفهوم مشرفیت واقعی که در اثر کار و تلاش حاصل و بزرگی به انسان می آموزد آگاه نیستند و از آزمایش آتشین بی خبرند. ای هستی بخش داناستها تو از فرجام گناهکاران آگاهی و درباره آنها و ادوی خواهی کرد.

## بند ۸

جمید پسر دیو نهمان یکی از آن گناهکاران شناخته شده است زیرا برای جلب سبب مردم و ارضای نفس خویش خداوند جهان را خوار شمرد، ای خداوند خسر و من نسبت به داری تو در روز واپسین در مورد گناهکاران ضایعیت کامل دارم.

## بند ۹

آموزگار کج اندیش تعالیم ندهی را تحریف کرده با آموزشهای نادرست خود انسان را گمراه

۱۰- پیکار با فساد و انکار پدید و مقابله با استعمار بیاسی زندگی آزمایشی است آتشین.





«ايندوگات - ات ۸۲۲»

وازهف اصلی و واقعی زندگی مخرف میازد، او انسان را از توجه بسرمایه گرا بنیای راستی و دینی و اندیشه پاک باز میسازد، ای خداوند خرد و ای مظهر پاکی و راستی با سخنانی که از قلب و رحم تراوش میسند بر گاهستان گلگه کرده و پناه میجویم .

### بند ۱۰

آنها با احترام بر زمین و خورشید مکرستین را بدترین گناه می شمارند زیرا تعلیم مذہبی را تحریف میسند . آنها نیک اندیشان را بسوی دروغ و کلاه میسکشاند، کشتزار را ویران کرده و بر علیه پرهیزکاران سلاح بکار میسبزند .

### بند ۱۱

ای خداوند خرد آمان! بدکاران را بواسطه شکوه و جلال مادی بزرگ میسازند، زنان و مردان شریف را از رسیدن آرزوی خود و برخوردار می آرنجاش میسازند و باز میسازند . پارسایان و راستی گرایان را پریشان و مخرف میسازند و زندگانی را فاسد و تباہ میسند .

### بند ۱۲

آنها با آموزش نادرست کوشش میسند مردم را از انجام کار نیک و شایسته باز دارند و با گفتار فریبنده مردم را گمراه ساخته زندگانی آنها را تباہ سازند آنان در اثر کج اندیشی گمراه میسند .

۱۱. اشاره به آموزگارانی کج اندیش و گمراه میسند است .





۱۰ هزار و ۲۰۰۰ کات - ۲۲

درنده‌ای چون گرگها و کربان‌ها را بر استان و پاکان برتری داده و برای پوخواهان دروغ  
آرزوی سروری میکنند ولی مزد خداوند خرد برای آنان کفر نخبی مقرر داشته است .

### بند ۱۳

قدرتی که این گرگان حریص (یعنی گرگها) در راه تبه‌کاری و کج اندیشی بست یادند  
سرانجام موجب بدبختی و تباهی زندگی خود آنها خواهد گشت .  
ای خداوند خرد آنگاه همین گرگان آزند بایل شدید آرزوی پیام مقدس پیام آور ترا  
خواهند داشت ، پیام آوری که نیکان و پاکان را در برابر تهدید دشمنان حفظ خواهد کرد .

### بند ۱۴

دیربازی است که گرگهای آزند با کجکادی با اندیشه و نیروی خود را برای پیام  
اندختن پیام آور تو متمرکز ساخته اند . آنان از پوخواهان دروغ و مکر بان یاری جویند و برای  
جهان آفرینش فساد و تباهی آرزو کنند بدین امید که سکت نا پذیر آنها را یاری خواهد کرد .

### بند ۱۵

براستی کومی‌ها و کربان‌ها سرانجام بست همان کسانی که از آنها سلب آزار

داد دشمنان زرتشت و فرمان‌روایی که حاضر بشیندن سخنان ستم‌سالار بحسب پسر بران بودند و بکلمه BREHMA  
سی و دوازدهوی زرتشت هستند . ۲۱- اشاره بر ایندهم است که با صفت سکت نا پذیری توصیف شده است . این  
ایزد طرف توجه دروغ پرستان بود است . ۲۲- کومی و کربان در اینجا مفهوم سلان بزرگان دیرینا آمده و  
و بجایانی اطلاق شده است که در دیدن و شنیدن حقیقت هم‌گور و گور هستند .





«اهنوکات - ۳۲»

کرده اند، سکت خورده و تباہ خواهند گشت و آنان که از نعمت آزادی محروم بوده اند در ترو و بخشش  
ایزدی (کمال و جادو دانی) از سرمای منسپانک یا بهشت بهره خواهند برد.

### بند ۱۶

براستی آموزش واقعی و خردمندانه شخص پارسا بهتر از هر چیز است، ای خداوند خرد و هستی بخش  
ترا توانائی برهم زدن نقشه کمانی است که مرا به آزار تهدید نکنند، من کوشش میکنم نفرت و دشمنی  
هوخواهان دروغ را نسبت به پیران و دل باحقان تو باز دارم.



### اهنوکات هات ۳۳ - بند ۱

هر کس در این جهان باید برابر آئین ازلی و آشا، یاراشی که بنیاد زندگی را تشکیل میدهد  
زغار کند زیرا تو یار رهبر روحانی با کمال بی نظری و از روی وجدان نسبت به نیکان بدان داده  
خواهد کرد و کردار نیک زشت آثار ابادت خواهد بخشید.

### بند ۲

کسی که با اندیشه و گفتار و کردار و با بازوان خویش با بدکاران پکار کند و نقشه اسباب  
مقیم سازد و یا آنان را براه راست رهبری کند بدستی چنین شخصی خواست پروردگار را انجام  
داده و بخداوند جان و خرد عشق میوزرد.





«انودکات - ات ۲۲»

### بند ۳

ای خدای هستی بخش، کسیکه بیجان، پاکان خواه از گروه خودمانی و بهکار و خواه دوست  
با هر داد و رفتار کند کسی که از آفرینش نیک پروردگار بگذرداری نماید، بر اوستی چنین شخصی از  
کشور خرم راستی و نیش پاک یعنی بهشت برخوردار خواهد شد.

### بند ۴

ای خداوند خرد ترا پرستش کرده و آرزو دارم بی ایمانی و بماندیشی از بندگان نیک  
تو دور گردد. همچنین آرزو دارم از خودمانی تا خیره سری و کج خیالی، از بهکار فریب دشمنی  
نزدیکان و از دوست نامسز اکویان و کوهش کنندگان از پهنه جهان هستی رهبر دروغ پرداز  
و فریبکار دور گردد.

### بند ۵

برای رسیدن آرزومان و هدف خویش سر و شس بزرگترین یاد و نارا بکجک علمی طلبم  
آرزو دارم از زندگانی دراز برخوردار و کشور نیش پاک در آیم. با کجک راستی و پاک و پیوند  
راه پارسانی بجایگای که ملکوت آسمانی اهورا مزدا است راه یابم.

### بند ۶

پروردگارا چون پرستنده پرهنر کاری که بر اوستی پاک ایمانی استوار دارم تا تمام جویم

۱- نظر از آفرینش پاک بهشت است.





«ابنودکات - باب ۲۳»

روح پاک ترامی ستایم و از اندیشه حکمت بارت خواستارم مأموریت ارشاد و سببری را چنانکه  
اراده توست انجام دهم . ای خداوند جان و خرد آرزو دارم بیدار و شورت باتو (مانند یک دوست)  
نایل آیم .

### بند ۷

ای از همه بستر و ای خداوند خرد بسوی من آید و خودتان را بمن آشکار سازید تا در تپه  
راستی و منش پاک گذشته از انجمن مغان دیگران هم سنجانم گوش فرادهند .  
پروردگارا ما را از تکالیف بسته و احترامات شایسته و درخور خویش بیگانه و روشن ساز .

### بند ۸

پروردگارا هدف نمائی و مأموریم را بخوبی بمن نشان ده تا در تو اندیشه پاک آن انجام  
دهم و ستایش ترا ای خداوند خرد بجای آرم . پروردگارا سر و دستایم را که از روی راستی  
و قلبی پاک تراوش میکند پذیر و نجاشیسانی و جاودانی را بمن ارزانی فرما .

### بند ۹

ای خداوند خرد این دو نیروی بزرگ<sup>۱۱</sup> افزاینده راستی و پاکی را که از آن تست تنها  
خرد و دانش و فروغ بصیرت و نیش بست توان آورد . بشود که در پر تو بهترین منش از نجاشی

۱۱- منظور از این دو نیروی بزرگ رسانی و جاودانی است که در بند پیش بیان اشاره شده است .







«بهنودکات. ات ۳۳»

این دو نیروی همکار و یگان بر خور دار گردیم .

### بند ۱۰

ای خداوند خرد آسایش و خوشیهای زندگی که بوده و هست دخا دهد بود همه از توست .  
پروردگار از روی مهر و کرم خویش آنها را بنا بر زانی دار و در پرورش پاک و نیروی درستی در  
ما را با جو شجاعتی جاودانی بهم قرین ساز .

### بند ۱۱

ای اهورا مزدا ای توانا تر از همه با آریشتی مظهر ایمان و فداکاری، آشتی ا راستی یا  
آبادکننده جهان، و بون «مظر اندیشه پاک و محبت، خشترا» مظهر نیروی معنوی و  
اقدار ملکوتی، بمن گوش فرا دهید و در آن روزی که برایت پاداش کردار خشنود بمن  
مهربان باشید و آفرینش خود را از من دریغ نکنید .

### بند ۱۲

ای اهورا «ای خدای هستی بخش» خودت را بر من آشکار ساز و در تو ایمان  
و فداکاری بمن نیروی معنوی بخش ، ای خداوند خرد بیاری پاکترین روح «روح القدس»  
خود پرستتم را با نیکوئی با پاداش ده . بیاری راستی و پاکی مرا از نیروی بسیار بخودا





«انهدکات. ۱۳۳»

ساز و در پرتو دهبوسن یا خرد و منشش پاک سردی در سبزی مردم را بمن بخش

### بند ۱۳

ای پروردگار تیرمین! برای بر خو، داری از شادمانی و خوشبختی بخشایش بمانند را  
 بمن بنا. ای هستی بخش، بخشایشی را که از خشترا «مطر قدرت و ملکوت آسانی تو» و  
 دهبوسن «مطر منش پاک و محبت همبوع» سرچشمه می گیر و بمن از زانی دار. ای از مینتی من  
 «ای مطر عشق و بردباری و ایمان بخدا»، بوسید راستی دلها می مارا روشن ساز تا نفس واقعی  
 و ضمیر باطنی خود را درک نمایم.

### بند ۱۴

ز زشت همه جسم و جان خود را با برگزیده ترین منش پاک خود چون پیشگی بی ارزش  
 بخداوند خرد نیاز میکند و با فرمانبرداری از دستورات الهی و سرسپردگی کردار و گفتار همه  
 نیروی خود را به آتش ارمان میآورد!

۱۱- آگاه از آینه دور

۱۲- منظر آن است که زشت با تمام نیرو و سرسپردگی کردار و گفتار خود را با راستی خواهد آید است

و در راه راستی جان خود را فدا خواهد نمود.





## «انودکات» هات ۳۴ - بند ۱

ای فردا، رفتار و گفتار نیک و پرستش بی ریائی که در پرتو آنها مردم از نجاشین جاودا  
و پارسائی و نیروی معنوی و رسائی برخوردار میگردد و نذیرا سخت تو ای خداوند پرستش  
پیشکش مینمایم.

## بند ۲

پروردگارا مرد نیک اندیش و پارسائی که روانش باراستی بهکام است، تنها تو  
می اندیشد و کردار نیک خود را بنیاز میکند. ای اهورامزدا بشود که نیایش کنان نرسود  
سایش گو یا تو نزدیک شویم.

## بند ۳

ای خدای هستی بخش باکمال احترام آنچه در خور و سزاوار تو و آشا منظره استی  
پاکی است بجای آوریم. بشود که همه جهانیان در پرتو منش پاک و در کشور «جاودالی تو»، برسانی  
رسند، ای خداوند خرد برآستی مرد دانا و روشن بین همواره از نیروی معنوی برخوردار میباشد.

## بند ۴

ای خدای هستی بخش، ما فروع توانا می تو را که در پرتو راستی فرزندان است خواهیم.

«کار خود را با نام تو و با توکل تو انجام میدهم»





«ابن دکات - ات ۳۲»

آن شعله فروزانی که ابدی و نیر و منداست و پیروان راستی را آشکارا زهنمون گشته یار  
می بخشد . ای خداوند خرد همین شعله فروزانت که پلیدی نهفته در نهاد بدخواهان اما آشکار سازد .

### بند ۵

پروردگارا چه شکر فاست نیر و توئی ! چقدر آرزو دارم ای خداوند خرد که بگردا  
نیک و خدمت بشر و در پر تو راستی و منش پاک و دستگیری از در استگان و بیچارگان تو  
پیویم . پروردگارا تو را برتر از همه میدانم و مخالف خدایان در ضمن تباهاکاران می شمارم .

### بند ۶

ای خداوند خرد ، ای مظهر راستی و روشندلی ، چون برستی تو را حسین « بر تو بالا  
از همه » شناختم پس آرزو مندم در سراسر دوران زندگی مرا هر سنمایی کنی تا با صمیم قلب ایما  
کال تو را ستایش و نیایش کرده و بویت باز کردم .

### بند ۷

ای مزدا ، کجا نیتت شایکران با وفایی که در پر تو منیش پاک و آگاه بی زانموش های  
پراج آئین به هنگام پنجی و سختی از تو روی بر تانند و با هوش و درایت آن آموزش ناراکجا  
بنند و در گسترش پیک مقدس تو بگوشند . پروردگارا کسی دیگر را جز تو نمی شناسم و  
خواستارم ما را در پر تو راستی یاور و پناه باشی .





## بند ۸

«انهدکات. ات ۲۴»

برای دروغ پرستان با کردار رشت خویش ما را بر اسان سازند، چونکه آنان تباهی و  
ویرانی بر مردم آورند و نیرومندانشان بر ناتوانان ستم روا دارند - ای خداوند خردآنان  
با من معذرت تو «یعنی قانون آسا» توجی مکرده همیشه از راستی روگرداند و منیش  
پاک از آسنا گریزان است؛

## بند ۹

ای مزد اکنانی که بازشت کرداری و سخبری از منیش پاک فردرگان پست آریستی<sup>۱۰</sup>  
را که نزد بگردان گرامی است خوار شمرند از آنان راستی دور خواهد ماند چنانکه تبه کاران با  
مآیلات پلید شیطانی خویش از ما دوری جویند .

## بند ۱۰

مرد خسته دمنده با آگاهی از اینکه عشق و ایمان بخدا سرچشمه و قوی راستی است گمراه  
درشتکاران را به پرورش منش پاک و انجام کار نیک و مهرورزی بدگیران اندرز خواهد داد  
و سرانجام ای خداوند جان و خرد همه ز شکر داران با آگاهی از حقیقت بسوی تو خواهند آمد .

۱۰ - منش پاک از آنان گریزان است، منظور اشخاص عاقل و نیک اندیش است که از دروغ پرستان گریزانند .  
۱۱ - عشق و خداکاری و ایمان و فرودنی از فردرگان آریستی میباشد .





«ایهدکات ات ۲۴»

### بند ۱۱

پروردگارا در بخشش، رسانی و جاودانی مردم را بفرغِ معنوی و روشن درونی خود  
رسانید. در پی تیروی اراده، بخشش پاک، راستی و پاکی، عشق و ایمان بخدا، زهد گامی  
پایدار و نیروی معنوی افزایش خواهد یافت. اسی خداوند خرد در بر تو این فرزندگان  
دشمنان فیروزی توان یافت.

### بند ۱۲

پروردگارا کد است این مشرف و حیت اراده تو؟ چه نیایش و پرستشی سزاوار  
توست؟ اسی خداوند خرد آنرا آشکارا بمانمای تا با پیروی از دستورات تو از پاداشی که  
نویده داده شده است بهره مند گردیم. پروردگارا در پی تو راستی راه پاک نشی و خودت را  
با بیا موز.

### بند ۱۳

اسی خدای هستی بخش راهی که بمن نشان دادی راه نیک نشی است، راهی  
که بر بنیای آموزش سوشانت؛ «سود رسانندگان و نجات دهندگان»، قرار گرفته است.  
آموزشی که توصیه میکند هر کارنگلی که بمنظور انجام کار و در پی تو راستی انجام شود  
شادمانی بیار خواهد آورد، آموزشی که انسان را بخرد و دانش واقعی برپری میکند پاداش





«ایزودکات. ات ۳۴»

آن رسیدن بهت اسی خداوند خرد .

### بند ۱۴

اسی خداوند خرد کسانلی از آن پادشکس که ان بها که نوید داده شده بهره مند خواهد کرد  
 که کار را از روی خرد و منش پاک انجام دهند ، برای مشیرت و آبادانی جهان کوشش نمایند  
 خواست خداوند هستی بخش را بر آورده سازند و در پرورستی و پاکی در مشیرت اراده الهی  
 کوشا باشند .

### بند ۱۵

اسی خداوند خرد مراز بهترین گفتار و کردار بیا کمان تا در پر تو این امور بشناید  
 روشن و قلبی پاک تاسیت را بجای آورم . اسی هستی بخش بزرگ بانروی خویش چنان  
 که از کین مذکی نوین و سرشار از راستی بهره مند کردم .





## «نشود کات» هات ۲۳ یسا بند ۱

مردا اهورانی که فرمانروای مطلق است چنین مقرر فرموده: «خوشبختی از آن کسی است که دیگران را خوشبخت سازد. پروردگارا برای استوار ماندن بامین راستی از تو نریزی تن دروان را خواستارم. ای آریشتی، ای منظر ایمان و محبت، آن پر تو ایزدی که پاداش زندگانی سراسرنیک منشی است بن ارزانی دار.»

### بند ۲

براستی چنین کسی از بهترین نجاشی ایزدی برخوردار خواهد شد. کسی که آرزوی رسیدن است و برای رسیدن بآن تلاش میکند، ای مزدادر پر تو خرد مقدس و آگاه خویش بدور نشانی درون ارزانی دار. پروردگارا در پر تو آشا «قانون ازلی راستی و پاکی»، مارا از حکمت و دانش که از نجاشی و هومن است برخوردار ساز تا طی زندگانی در از ازشادی و سرور بهره مند گردیم.

### بند ۳

براستی کسی از بهترین نیکی برخوردار خواهد شد که در جهان مادی راه راستی و خوشبختی ما آموزد و در جهان مینوی مارا راستکار سازد. راهی که مارا بجهان حقیقت و راستی آبخاکه بارگاه قدس است رهبری کند. ای مزدایشیفتگان حقیقت و دلدادگان تو در پر تو خرد و

۱- اشاره کبی است که دیگران را خوشبخت سازد در بند اول هر بحث در گرفت

۲- بهترین نیکی، منظور بهترین نجاشی ایزدی است. ۶۲







بشتر دکات ات ۴۳»

تقدس سر انجام تو خواهند پوست .

### بند ۴

ای مزدا بهنگامی ترا نیر و مند و پاک خواهم شناخت که در پرتو توانانی ات آرزوهای ما  
بر آورده شود و بهو اخوا امان راستی و دروغ هردو بپاداش و کفر مقرر رسند، آنگاه که نرفع  
تو در تبلم بدرشد و گرمی بنجد و روغم نیروی راستی را احساس کرده اندیشه پاک با تمام  
توان بمن روی خواهد آورد .

### بند ۵

ای مزدا اهورا، خداوند جان و خرد، آنگاه تو را پاک و صدش شناختم که ترا سر آغاز  
زندگی و ازلی میستم، زمانی که برای اندیشه و گمخار و کردار نیک پاداش معین فرمودی  
و در پرتو خرد و حکمت خویش مقرر داشتی که بدی از برای بدان و نیکی از برای نیکیان خواهد بود  
و این امر تا روز واپسین و پایان هستی ادامه خواهد داشت .

### بند ۶

ای مزدا در آن زمان که خرد پاک تو، خسترا و و هومن بسوی ما آیند، آنگاه جهان  
هستی بسوی راستی و درستی پیشرفت خواهد کرد و نوشته آرمیستی نور محبت و ایمان با در دل  
را در مردان روشن کرده آنان را بسوی حقیقت رهبری خواهند نمود و هیچکس را یا رایی و نفقین پرورد





«شتر دگات - ات ۲۳»

مطر خرد و حکمت نخواهد بود .

## بند ۲

آنگاه ای مزدا اهورا ترا پاک و مقدس شناختم که اندیشه پاک بمن روی آورد و از من پرسید  
 کیتی؟ و از کدام خاندانی؟ هنگام تردید و دودلی چه راهی را بر خواهی گزید؟ راهی که بزرگ  
 برادران و نزدیکان توست و یا آنکه بود خودت می باشد .

## بند ۸

آنگاه چنین پاسخ دادم: من زرتشت دشمن سر سخت فروغ و در و گلویمان هستم و تا  
 آنجا که مرا نیرد و توان است با آنها پیکار خواهم کرد ولی با تمام قدرت یا در پشتیبان نیکنان  
 در سگداران خواهم بود . پروردگارا بشود که از نیردی معنوی و بکسرانت برخوردار گردم همیشه  
 سرسپرده و تسلیگر تو باشم ای مزدا

## بند ۹

ای خداوند جان و خرد آنگاه ترا پاک و مقدس شناختم که منبش پاک بمن روی آورد و در حقیقت  
 و معرفت تعلیم راه یافت . پرسیدم چه کسی را خواستاری پیش از همه مورد نماز و ستایش  
 قرار گیرد «خود چنین پاسخ گفتم» تا زمانی که مرا نیرد و توان است فروغ تا بنانک و معنوی تو را ای مزدا

۱۱. پرسش کردن اشر زرتشت از زوین منظور برتری حقایق با دیده روشن بین اندیشه ژرف و بیکلاست .

۱۲. فروغ تا بنانک و معنوی منظور فروغ ایمان بخدا می باشد .





«اشتهادگات . ات ۴۲»

می ستایم و باین راستی دل خواهیم بست .

### بند ۱۰

پروردگارا مرا بسوی راستی و پکی که نهایت آرزوی من است رهبری کن تا بسوی از  
آرئستی، منظر ایمان و محبت، برسانی نایل آیم . پروردگارا اکنون ما را بیازمای تا ایمان خود را  
ثبوت رسانیم . آزمایش های تو چنان است که با انسان نیروی مغوی خود بخشید، بویژه  
رهبرانی که از سوی تو ای مزد الهام گرفته اند با نیرو و شجاعت مردم را راهنمایی کرده و شجاعت  
تو را انجام خواهند داد .

### بند ۱۱

ای خداوند جان و خرد، آنگاه تو را پاک و مستطس شناختم که منس نیک بمن بروی  
آورد و در تو سخنان الهام بخش تو بصیرت بونش یافتم . هر چند در یاقه ام که ایجاد ایمان  
در دل مردم کماست بس فشار، ولی پروردگارا من آنچه را که از دیدگاه تو بهترین کار ساخته  
شده است با کوشش و فداکاری انجام خواهم داد .

### بند ۱۲

آنگاه که بمن فرمودی : « بادانش کمال از راه پستی بسوی کن » بنحی گفتمی که خواسته  
« قلبی من بود، من کوشش خواهم کرد تا فرشته سروس » یا ندای وجدان « را در درونم سید

۱۱. آزمایشات منور عقل منی او را بسوار بهای زندگی است که زشت با آن روبرو بود .





«اشتهودکات - ات ۴۲»

کرده، تبسم را از پر توایزدمی روشن سازم و باین حقیقت آگاهی حاصل کنم که هر کس از گروه  
نیکان و بدان آنچه را سزاوار است بدو پاداش بخشیده خواهد شد

### بند ۱۳

ای خداوند جان و خرد، آنگاه ترا پاک و مقدس جشنم که منش پاک بمن رو آورد  
نور حقیقت و معرفت بقلبم راه یافت. پروردگار برای رسیدن بغایت آمان آرزوی  
خویش زندگانی در زمین ارزانی دار، آن چیزی که جز تو کسی دیگر را یاری بخشیدن  
نیست آن زندگانی مطلوب آرزو شده که سرشار از خدمت بهمنوع و فعالیت برای پیشرفت  
جهانیان بوده و خبشتراشی تو بگی دارد.

### بند ۱۴

ای مرزا آن سان که مردد و توانائی بد دست خود مهربانی کرده و در ارادش  
می بخشد، به سپردنم شادی فزون از اندازه بخش آن شادی و سروری که در پر تو راستی  
بدست آید و در قدرت شریاری نشت. پروردگار امن از آئین راستی و همه کسانی که  
پیام آور آسمانی ترامی سرانید پشتیبانی خواهم کرد.

---

یا، منظور از خبشتراشی قدرت جهانی و نیروی اراده و صفت در راه انجام خدمت مردم و فعالیت برای آبادانی  
و پیشرفت جهان میباشد خبشترا منهدم است بلا بر نفس و چیرگی برای مال و هوس نیز میباشد.





### بند ۱۵

«اشتردهات ۱۰۲۳»

ای خداوند جان و فرود آنگاه ترا پاک و مقدس شناختم که منش پاک بمن روی آورد و نور  
حقیقت و معرفت بقلوبم راه یافت. آنگاه دریافتم که اندیشه آرام و ژرف بهترین وسیله کسب دانش  
و نیش مغنوی است و هیچ رهبری شایسته نیست با هوای امان دروغ از در آشتی درآید زیرا  
آمان پرنهر کاران و در دستگرداران را دشمن همشگی خود پندارند.

### بند ۱۶

ای خداوند جان و فرود ز رشت برای خویش پاکترین فرود را بنظر راهسما برگزید. بشود که  
راستی و درستی زندگانی مادی ما را نسیر و مند سازد. بشود که نیروی مغنوی با نور ایمان و محبت  
چون پرتو درخشان نور شید قلوب ما را روشن سازد. پروردگارا بجانیکه در پرتو منش پاک و عقل خود  
کاری انجام میدهند پا د آتش بخش.

### هاتف ۴۳ - بند ۱

«اشتردهات»

ای همی بخش کنایا، با فزونی از تو پریشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی.  
آیا پرستش تو را چگونه باید بجای آورد؟ ای مزدا قلب من از صحر تو لبریز است، بگذار کسی که  
ترا خوب میشناسد راه دست را بمن نشان دهد. پروردگارا بشود که در پرتو راستی و درستی  
از یاری تو برخوردار گشته و دیده دلمان از نور پاک منشی و ژرف بینی روشن گردد.





استوگات - ات ۴۴»

### بند ۸

ای هستی بخش تیا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را برین آشکار سازی .  
تا بتوانم ای مزدا در مورد آنچه که از سوی تو الهام شده است بیاذیم . پروردگارا ، خواستارم  
در پرورش نیک ، آموزش های ترا درک نمایم و در پروراستی و پاکیزگی از زسانی در  
زندگی برخوردار گردم . پروردگارا ، چگونه و با انجام چه نیکی های روانم زشادی و آرامش  
بهره مند خواهد شد .

### بند ۹

ای هستی بخش تیا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را برین آشکار سازی .  
چگونه وجود خود را در بست در انجام خدمت مقدس با تمام نیرو و توان تو نشان کنم ؟ این حقیقت را  
و انش دین بمن بیاموزد . ای مزدا ، فدائی تو در پروراستی و نش پاک ، و خدمت بوم  
با تمام نیرو و سر انجام در جایگاه تو یعنی بهشت ما را خواهد گردید .

### بند ۱۰

ای هستی بخش تیا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را برین آشکار سازی .  
پروردگارا ، از این الهام بخش خود که برای مردم جهان بهترین موهبت است مرا آگاه ساز ،  
آئینی که بار اوستی به کام بوده و بپشرفت جهان هستی کمک میکند . پروردگارا ، آرزوی منی یا





«بشتر، گات ۱۰، ات ۴۴»  
 نورایمان را در قلبمان روشن باز تا در پر تو آن کارهای مابوسی رستی و درستی کرایش پیدا  
 کند. اسی فرود امارا بدایت فرماتا خواست آرزوی نهانی ما رسیدن تو باشد.

### بند ۱۱

ای هستی بخش تجا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .  
 چگونه ایمان بخدا و نرم خوئی و میسر و رزی در قلب کسانی که آئین الهام بخش تو برایشان اظهار  
 شده است جای خواهد گرفت ، پروردگار ایدانم که تو مرا برای انجام این کار بزرگ بعنوان  
 نخستین آموزگار برگزیده ای . بنابراین تنهائی کسانی که ترا فرمانبردارند از دوستان و  
 دیگران را دشمن خواهی شمرد .

### بند ۱۲

ای هستی بخش تجا ، پرشی از تو دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .  
 آیا کدام یک از طرفین راستی یا دروغ روی آورم ؟ آیا با هوای خودمان دروغ که سینه کارند  
 گهلو کنیم یا کسانی که از بدکاران بچ میزند ؟ آیا دروغ پرستانی که بجایش گرانجایی  
 ترا خوار می شمارند اندیشه و قلب آنها را یساهی دروغ ورستی فرا گرفته است ؟

### بند ۱۳

ای هستی بخش تجا ، از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی





«اشتهدکات. ات ۴۴»

چگونه باید دیو دوزخ را از خود برانیم؟ پروردگارا از اشخاص بی دین ایمان دوری خواهیم کرد.  
 و از کسانی که پیوند خود را با راستی و خرد گسته و نسبت بمنش نیک و لبشکی نشان نمیدهند و کوششی  
 در راه کرایش به این فرزندگان دیره نمینمایند پهنه نخواهیم کرد.

### بند ۱۴

ای هستی بخش کجیا ، از تو پرستی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی.  
 چگونه باید در دوزخ را بدست راستی سپرد تا با آموزش کلام آسمانی روحش از آلودگی پاک گردد.  
 ای مزد ابا و اجداد ساختن شکست کمال به هوای امان دروغ و تباها کاران، فریب و نفرت  
 آنها را از زمین برده بی اثر خواهیم ساخت .

### بند ۱۵

ای هستی بخش کجیا ، از تو پرستی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی.  
 پروردگارا بر اوستی تو توانا هستی که در پرتو آشامرا از گزند فریبکاران و نفرت در دوزخ امان بکنند  
 فرمانی، هنگامی که دوسپاه دشمن در برابر یکدیگر صفا رانی کرده و بهم می تازند، آنگاه ای  
 مزد ابر بر قانون ایزدی، کدام یک از دو گروه «مزد ابرستان و هوای امان دروغ»  
 و در کجا از فیروزی برخوردار خواهند شد .







### بند ۱۶

استدکات: ۲۲

ای هستی بخش کتیا . از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .  
 کیت آن شخص دلیر و فیروز مندی که در پرتو آموزشهای ایزدی ما را پناه بخشد؟ پروردگارا  
 از راه الهام رهبر دانا و درمان بخش زندگی را بمن نشان ده و او را با «سروش»  
 روح فرمانبرداری از دستور ایزدی و روشن ضمیری برخوردار ساز. پروردگارا این  
 دو بخش بزرگ را بهر کس که دوست داری ارزانی فرما .

### بند ۱۷

ای هستی بخش کتیا . از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .  
 ای مزدا چگونه بار آسمانی تو بحدف آماج خویش که پوتین تو و کی شدن با مشوق است  
 دست خواهم یافت؟ پروردگارا، کی با گفتار شیوا و نوثرود در پرتو آتش پیام آسمانی  
 تو که بهترین را بنیاست مردم را بوسی رسانی و جاودانی رهبری خواهم کرد.

### بند ۱۸

ای هستی بخش کتیا . از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را بر من آشکار سازی .





«استودکات - ۱۰۴»

چگونه «پرتوآشا» درستی و پستی «پادشاه» را که عبارت از تسلط بر ده مادیان است  
بایزوی اب اندیشه است بست خواهیم آورد و بروشنائی حقیقی و سرمدی خواهیم رسید.  
ای مزدازرسی و جادانی کی بر خوردار خواهیم شد تا به روش بخش بزرگ را برای رستگاری  
مردم جهان ارمغان دهیم.

### بند ۱۹

ای ستمی بخش گویا، از تو پرشی دارم و خواستارم حقیقت را برین آشکار سازی.  
پروردگار را بخاک می کشی شخص نیازمند در آستانه بجا می گنجی پادشاه از تو انکاران پانچ سر می شود  
چه سزائی برای اینگونه افعال کاران مقرر فرموده ای؟ من از کفری که برابر آئین  
ایزوی پس از مرگ و در روز واپسین در انتظار آناست بخوبی آگاهم.

### بند ۲۰

ای مزدازرتو می سپرم حظور امکان دارد دیوان از شهریاران نیک باشند.

۱۰ - در این بند واژه «دی» مانند «دیوان» است و بیشتر بکار رفته است که در لغت بعنوان پادشاه خوانده می شود و در ده است.  
گروه واژه «دی» که در سوره شفا بر معنی حیوانات را می دهد ولی در باطن رمزینی است که در ای مفاسد عرفانی و منوی می باشد  
صفت خواست و ده گانه: شنوائی، بیسنائی، چشائی، بویائی، لمس کردن، توانائی، پویائی، کلا آئی، فهمیدن جادو یا  
تشبیه شده اند که انسان را بر نگاه پنجگی و چهارگی می خاند و تنها سبب نیرانند اندیشه است که سبب اندام دیوان ای حواس را بنا  
کرده و بر آناست طپید کند و به آستر یا روشنائی حقیقی و سرمدی منتهی به و نور حقیقت را بعنوان پادشاه دریافت کند.





بش... نکات: ۴۴

کسانی که برای ارضای بوس نامی خویش و انجام مقاصد خود خوابانه میخکندند و با کمک کرمان  
و کاویان و اوستیخس جهان را بهت خشم و نفرت سپرده و جهانیان را بناله و فغان میآوردند.  
آیا اینها بیچگاه کوشی خواهند کرد تا در پرتو راستی و درستی موجب پیشرفت و آبادانی  
جهان گردند و آشتی و آرامش را برقرار سازند و گمشده‌ها را بیابند.

### بش... نکات: ۴۵ - بند ۱

ای کسانی که از دور و نزدیک برای آگاه شدن آمده‌اید من اکنون برایتان سخن میگویم  
گفت گوش فرا دهید و بشنوید حقایق روشنی را که برای شما میآموزم، با دقت بخاطر بسپارید  
سبا و ابار دیگر آموزگار بدخواه زندگانی مردم را تباه سازد و دروغ پرست با کج آموزی  
خویش آنان را همراه نماید.

### بند ۲

اکنون درباره دو سنیو یاده گوهری که در آغاز زندگانی وجود داشتند سخن میگویم  
گفت از این دو گوهر آن یکی که پاک و متعصب بود بهمهزاد خویش گوهر پلید چنین گفت:  
بیچگاه اندیشه و آموزش اراده و ایمان گفتار و کردار و وجدان با یکدیگر سازش نداشته

۱. کاویان و کرمان و اوستیخس از گروه مخالفین سرسخت اشوزشت و پیروان دینی دروغ پرستان بودند.





«استودکات - ایت ۲۵»  
 دارهم جدا بسند .

### بند ۳

الآن از حقایق و اصول آئین زندگی آن چنانکه هستی بخش دانا من آموخت آشکار  
 خواهیم ساخت . کسانیکه کلام محدس مزدار اربکار بنهند و چنانکه من آموخته ام سپردی نهند،  
 پایان زندگی آنها پشیمانی و آه و افسوس خواهد بود .

### بند ۴

الآن زبستین بدف آمان زندگی سخن خواهیم گفت و حقیقتی را که در پرتو آسایش در ایتم  
 بیان خواهیم داشت و آن اینکه آئین زندگی در پرتو راستی را فرادا، خدای یکتا و دانا مقرر فرمود،  
 پروردگاری که سرچشمه نیک و فعال است و ایمان و محبت دختر نیکو کار او بشمار میرود،  
 هستی بخش یکتا و از همه خیر آگاه را نتوان فریفتن .

### بند ۵

ایدون از سخانی که از سوی پروردگار بمن الهام شده است گهلو خواهم کرد . سخانی که  
 شنیدن و بکار بستن آن در زندگی برای مردم بهترین است . کسانیکه این آموزش را با جان  
 دل پذیرا شده و فرمان برند، از بخشش رسانی و جاودانی برخوردار خواهند شد، اندیشه نیک،  
 آمارا با انجام کار نیک شایسته بنمون خواهد کردید و سر انجام زبیرت اهورا فرادا و روشناسانی





بیشتر دکات - ات ۲۵  
حقیقی نائل خواهند شد.

### بند ۶

من اکنون از کسی که بزرگتر از همه است سخن خواهم گفت. بار استی پاکي سردار ما  
در پروتوهایش راستایش می‌کنیم و آرزو داریم هستی بخش یکتا در پروتو خود متعین خویش نیایش را  
باشنود، بشود که در پروتویش پاک و محبت ایمان با دوست یابیم، پروردگارا در پروتو خود  
مرا بسوی روشنائی حقیقی «یا آنچه که بهترین است» رهبری فرما.

### بند ۷

همه دستکاری از او خواهند، چه آنکه زنده اند چه کسانی که از جهان فرست و یا  
در آینده با بصره وجود خواهند گذاشت، روان شخص پارسا درست کردار کامروا گشته و از بخش  
جادو دانی برخوردار خواهد شد، ولی هواخواه دروغ و تبه کار از درود و عدالی که همیشه تجدید می‌گردد  
برنج خواهد بود. این قانون را، هستی بخش دانا و یکتا از توانائی خویش مقرر فرموده است.

### بند ۸

چون اهورامزدا را با دیده دل دیده ام، کوشش خواهم کرد با سرودهای ستایش تو جیش را  
بسوی خود جلب کنم و از آنجا که با اندیشه و گفتار و کردار نیک و در پروتو استی و درستی دینا تمم کم  
اهورامزدا، هستی بخش دانا و پروردگار یکتا است. بنابراین نیایشهای قلبی و ستایش خود را





اشترکات - ات ۴۵ «  
به بارگاه تقدیس نیار میکنم .

### بند ۹

لطف و بخشش پروردگار و دهن «منش پاک»، را خواستارم، چونکه بخت  
داراده پروردگار شادی و بخت هر دو برای ما آفریده شده است، بشود که هستی بخش دانا در تو  
توانائی خویش نیروی کار کردن و خدمت بما ارزانی فرماید تا با منش پاک و دانش مردم  
بسوی راستی و حقیقت پیشرفت دهم .

### بند ۱۰

با درود و ستایش قلبی ایمانی پاک او را بزرگ خوا، ایسم داشت، کیکه در تو نیروی  
خویش هستی بخش دانا و کیتا و آفریدگار هر دو جهان نامیده شده است، پروردگاری که در تو  
قانون ازلی و اندیشه رسا و شهبازی خویش مردم جهان رسانی و جاودانی نوید داده است  
و آنها را به برخورداری از نیروی تن و پایداری روان امیدوار ساخته است .

### بند ۱۱

کسانی که بابت پرستان هوخواهان آنها دشمنی درزند و همچنین کسانی که نام  
پروردگار را به نیکی یاد کرده و سوسانت می دانا و یاوردین راستین را کرامی دارند، فرزداها  
با آنان چون دوستی صمیمی برادر و پدري مهربان خواهد بود و راهشان با کسانی که کیتا هموار را





خوار شمارند و از او برشتی یاد کنند کما تاجد است .

### «استودکات» هات ۴۶ - بند ۱

بگلام سز زمین روی آدم؟ بجزازته پایه جویم؟ خوشیام مرا ترک گفته . و دوستانم از من روی گردانند . از همکاران کسی مرا نخرسند نمی سازد و فرمانروایان کشور نیز همگی بد بوخ کرایش یافته اند . ای هستی بخش بزرگ چگونه خواهیم توانست با انجام ماتویرت ترا خسود بنام .

### بند ۲

ای مرد امن از ناتوانی و سگد پستی خود آگاهیم، زیرا خواسته کم کم، ویران برانجام اندکند . ای هستی بخش کیتا، روی بدرگاه تو میآورم مانند دلداوه که از دلبر خویش خواستما نظر لطف و محبت و جو نشستی سردی باشد، پروردگار را در تو قانون ازلی اش «راستی و پاکتی» مرا از نیروی نیک اندیشی و محبت برخوردار ساز .

### بند ۳

ای مردا کی سپیده دم نیک نختی بدر خواهد آمد و مردم جهان بسوی راستی پاکتی روی خواهند آورد؟ کی نجات دهندگان بشربادانش و خرد و آموزشهای تو خوش مردم را از بهری خواهند کرد؟ و هومن، مظهر اندیشه پاک بچ کسی کرایش پیدا خواهد کرد؟ ای هستی بخش





«اشتیادکات. ات ۴۶»

من تنها، ترا بعنوان آموزگار و سرور خود برگزیده‌ام.

### بند ۴

هواخواهان دروغ کوشش دارند پارسایان و پرستکاران را از شیرفت بسوی بدفما  
مقدس خویش یعنی راستی و درستی و آبادانی شهر و کشور باز دارند، آنها با کردار خصمانه خود  
بزشتی و تباہکاری مشهورند، ای مزدکسی که با تمام نیرو و وجودش بر علیه هواخواهان دروغ  
پیکار کند او جهان آفرینش را براه خود و دانش حقیقی رهبری خواهد کرد.

### بند ۵

مرد دانا و توانائی که بنا بر دستور آزادی یا از راه مهر و عطف انسانی خواستار آن  
مکنت را خواه از هواخواهان راستی و یاد دروغ بگرمی پذیرا شود او پیرو راه آسوده زندگی  
سرشار از راستی و درستی می‌باشد. ای هستی بخش دانا، او بخردی است که با نیروی دانش  
گمراه را از تباہی و فیتی رها نیده و او را بخود شناسی و انگای نبیند رهبری خواهد کرد.

### بند ۶

هرگاه مرد توانا شخص تبه کار را براه راست هدایت نکند بدام فریب هواخواهان دروغ  
خواهد افتاد. کسیکه برای هواخواهان دروغ آرزوی فیروزی کند و بدنامیاری بخشد از هواخواهان  
دروغ بشمار خواهد رفت و کسی که دست کرداران را دوست داشته بدان ارج نهد در زمره







«استودکات-۱ تا ۴۶»  
پارسیان بحساب خواهد آمد. ای هشی بخشیتا، این قانون ازلی را از زرتشتی تا قیاس شهنشهر فرمود

### بند ۷

بنگامی که برخواه دروغ بکینند و نفرت اراده آزار من کند، ای مزداهر فروغ میونی  
و اندیشه تو چه کسی از من پشتیبانی خواهد کرد؟ زمانی که این دو فرزند و نخواستار بیدار شده  
و با هم کار کنند ای هشی بخش، آیین راستی تجد کمال خواهد رسید پروردگار حقیقت بر این  
آشکاره و وجدانم را به این آموزش بیدار ساز.

### بند ۸

کسی که اندیشه آسب سازدن به هشی جهان را در سر پرورداند، بدستی از کردارهای زشت  
او آسب می بنماید برسد، بلکه نتیجه کردار زشت و نفرت او بخودش بر خواهد گشت. کردارهای  
زشت و تبه کارانه او را از انجام کار نیک و شناخت زندگان کامل باز خواهد داشت و خشم  
نفرت بیسچو جدا او را ای مزداهر از زندگی کنت باری که نصیبش خواهد کرد میخفت خواهد نمود.

### بند ۹

کیست آن را در مرد بزرگ و نخستین آموزگاری که با آموخت تنها ترا ای پروردگار شایسته ترین  
ذات موردتسایش شناسیم و ترا داد و در پاک کردار ما و سرور رپستی بدینیم؟ پروردگار ما کوشش  
خواهیم کرد که در پرتو اندیشه پاک از قانون ازلی اشاد اسرار هستی پرده برداریم و آنچه که آفریننده





«شود کات. ات ۴۶»

جهان از آئین راستی آشکار ساخته است آگاهی با بیم .

### بند ۱۰

ای، پستی بخش دانا، از مرد وزن هر کس در این جهان آنچه را که تو بعنوان بستین  
کار مقرر داشته ای بجای آرد، چنین شخصی از پاداش «آشاد خشته را که همانا نیردی منوی و  
خدمت ب مردم است و در پرو اندیشه پاک بست توان آرد و برخورد از خواهد کردید . پروردگار  
من آمانم خواهم آمخت که تنها ترا پرستش کنند و هنگامم که رکودن از پل صفت آنان را  
راه سمانی خواهم کرد .

### بند ۱۱

کادین و کرپان « ویا پشویان و شاهزادگان بت پرست » شگفته وسی سخندبا  
کردار زشت و سیاه خود زندگانی منوی مردم را تابه سازند ولی هنگامی که نزدیک پل صفت  
رسند از روان و وجدان خود شرمناک شده و سختی و آزار بینند و برای همیشه مجبور به زندگی  
سرای دروغ خواهند شد .

### بند ۱۲

بجگامی که خویشان و نوادگان نیردند فریانه تورانی بآئین راستی گردند و با عشق و

۱۱. زندگانی سرشار از راستی هستی و پاکی و پرستشکاری . ۱۲. پل صفت یا پل صراط و پل اوری بین نیک و بد میباشد .





ایمان در میرفت زندگی بشرو آبادانی جهان بکشند آنگاه در تویش پاک فریانه من آنما هستی  
 وجود آورده و آیین مزدالی که نوید بخش رستگاری و خوشبختی است بر آنها آشکار خواهد گردید.

### بند ۱۳

کسی که اشوزرتت اسپنمان را خستود ساخته و اودراد انجام ماموریت یاری کند  
 مروی دست کردار و نیکو سیرت ساخته خواهد شد. هسی بخش دانایکیا بچنین شخصی بهترین  
 زندگانی خواهد بخشید و پیرامون او از محبت دمنش پاک سرشار خواهد شد. پروردگارا، اود را  
 بهکام با آشا<sup>۱۱</sup> و هواخواه قانون راستی خواهیم ساخت.

### بند ۱۴

ای زرتشت کیت دوست دستکردار تو که هواخواه راستی است؟ چه کسی برای کترش  
 و نجاتی انجمن برادری «منع» کوشش خواهد کرد؟ این شخص همانا گشتاسب کانی نیشا  
 دلیر است. ای هسی بخش داناهن پیام آسمانی ترا بر دم خواهم آمخت تا شایسته بارگاه  
 تو گردیده و در سرای تو یعنی فردوس جای گزینند.

### بند ۱۵

ای فرزندان هسچید<sup>۱۲</sup> و اسفستان اکنون بشاخیزی را خواهم آمخت که شنیدن

۱۱. دستار راستی و پاکي هواخواه نظم و قانون. ۱۲. پنجمین نفر از پشت اسپنمان و نیای بزرگ اشوزرتت.





## سپتدگات هات ۴۲ - بند۱

کسی که در پرتو خرد مقدس طبعی پاک اندیشه گفتار و کردارش نیک با راستی و درستی هماهنگ باشد  
 فردا هو را با توانائی و مهر خویش به او رسائی و جاودانی خواهد بخشید.

### بند ۲

کسی که در پرتو خرد مقدس به بهترین راه زندگی کند و گفتارش همراهین و از روی خرد باشد،  
 با دودش کارهای نیک را از روی ایمان انجام دهد، اندیشه اش تنها توجه یکبار پروردگار  
 خواهد بود و او را سر چشمه حق و راستی خواهد شناخت.

### بند ۳

پروردگارا، برستی تو سر چشمه خرد «مقدس» هستی. این زمین شادی آفرین را تو آفریدی،  
 بنگاهمی که مردم منش پاک روی آورده با او شورت کنند ای فردا تو بدناما آراش بخشی  
 و آرمستی «ایمان» را پشتیبان آنها قرار خواهی داد.

### بند ۴

ای فردا بدکارانی که از خرد مقدس روی برتابند رنج بینند، ولی در سگردان هرگز خنین  
 نشنند. پروردگارا، مردم در پستکار را اگر هم کم درآمد و نادار باشند باید گرامی داشت، ولی  
 به او احوال آن دروغ را چنانچه توانا و پرورد آمد باشند باید بخوار شمرد و از بدان بحساب آورد.





## بند ۵

ای هستی بخش دانا ، نیکوکاران در تو خرد معدس تو از تیرین بخششالی که نوید داده  
 شده است بخوردار خواهند شد ، ولی بهر تو شال حال بدکاران نخواهد کردید ، زیرا کردار آنها از این  
 زشت سرچشمه گرفته و آسمان روشن روحان را ابرسیاه تبه کاری پوشانیده است .

## بند ۶

ای هستی بخش دانا ، در تو خرد معدس آذ فردزان خویش سر نوشت دگر گوینگان  
 و بدان رعین پاداش دکیفر آنها را ارزانی خواهی داشت پروردگار با افزایش فروغ  
 ایمان در اوستی و پاکی جویندگان حقیقت بومی تو کرایش پیدا خواهند کرد .



## سپندکامات «ات ۴۸»

سرا انجام در روز شمار و پاداش ، هنگامی که راستی بر دروغ چیره گردد و هنگامی که پرده  
 از روی ریا و فریب دوان و همدستان آنها برای همیشه برداشته شود ، آنگاه سایش ایمان  
 بتو ای هستی بخش گسترش خواهد یافت و بار و بر خویشختی بیار خواهد آورد .

## بند ۷

پیش از اینکه کلمش در اندیشه ام آغاز گردد ، ای هستی بخش تنها ، مرا از دانستن





«سپندکامات - ات ۲۸»

آگاه ساز، پروردگار ما را اطمینان بخش که آیا شخص پارسا و پرهیزکار برپا خواهد دروغ و فسق  
فیروز خواهد کردید؟ متلاشیت تو چنانست! این بزرگترین فیروزی در زندگی شما خواهد آمد.

### بند ۲

همی بخش دانا و سرچشمه کنی بهترین آموزش را بروم دانا پارسانا خواهد آخت،  
آموزشی که همه پاکان در روشندان و آموزگاران فلسفه عرفان از آن آگاهند یعنی  
تهدا در تو فرود اندیشه پاک میوان ای مرد از دل باحتکان درگاه تو کردید.

### بند ۴

پروردگار کسی که اندیشه اش نیک باشد، کردار و گفتار و وجدان او نیز نیک  
یابدی خواهد گرانید. راهی را که اندیشه به آزادی اختیار کند اراده و ایمان نیز از آن  
پیروی خواهد کرد و با آن هماهنگی خواهد داشت، بناجکت تو ای مرد اسر نوشت آنها  
از هم جدا و تهایز خواهد بود.

### بند ۵

ای آرمیتی گندار شهریاران شکر و بد رفتار بر حکومت کنند، بلکه بشود شهریاران  
دادگر و با ایمان که دارای رفتار نیک و دانش و خرد را همنامی آنهاست برافراز وانی  
کنند. ای آرمیتی، پاکیزگی برای مردم از هنگام زایشش خدایند می شمار میرود. ما یا





«سپندکات. ات ۴۸»

برای آبادانی جان و میرفت آفرینش کار کرده و هسنوعان خود را بسوی روشانی حقیقت رهبری کنیم

### بند ۶

براستی که او «آریشی»<sup>۱۱</sup> پناهگاه خوبی برای است و با پایداری تن و سیروی روان که  
از فرزندگان با ارج بنش پاک است خواهد بخشید. هستی بخش دانا و یکجا او «زمین» را با نگاه  
دبزه بیاراست و از آغاز آفرینش برای مردم خوراک تهیه کرد. چنین است حکمت مزدا و تا چون  
ازلی اش.

### بند ۷

خشم و نفرت را از خود دور کنید اجازه ندهید اندیشه ای تان بخشونت وستم گرایش پیدا  
کند. بنش پاک و مهر و محبت و لگتی نشان دهید، راد مردان پاک سرشت برای گسترش هستی  
و درستی پیوسته استوار خواهند ساخت و با خوا بان حقیقت را بسوی هستی جایگاه تو ای اهورا که  
منزله «راستان و پاکان» است رهبری خواهند کرد.

### بند ۸

آرزوی من ای مزدا بر خور داری از سیروی منوی خسترای دوست! اولی خواست من  
برای بر خور داری کسان و پیردغم از بخشش های تو ای هستی بخش یگانه بسیار زیاد تراست.

۱۱- آریشی، منظر عشق و ایمان بخدا و پاسبان زمین. - یزدی منوی خسترای چریکی بره ای منن خدمت بنوع «راه پیروز»

بشری نبوی تعالی میباشد.





یستمکات - ات ۴۸»

پروردگارا، چقدر آرزو دارم در پرتو راهپستی و پاکی خود را به جانبازان فادار و بهرخواهان راه حق  
آشکار سازی تا بایاری اندیشه پاک در پیشبرد کارهای نیک کوشا باشم.

بند ۹

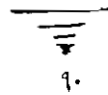
چگونه بدانم که تو ای مزدا بر همه، حتی بر آنان که قصد آزار مرا دارند شریاری میکنی. ای آشا  
روش نیک اندیشی و بهر دلی را برین آشکار ساز، پروردگارا، مزار نخوه برخوردار می از نجاشین خویش  
آگاه فرما، زیرا یک سوئیانت یا عمیر آسمانی باید از پاداشی که در انتظار اوست نیک آگاه گردد.

بند ۱۰

ای مزدایار نامم برای کسرتش دین اهورانی کی خواهد آمد؟ پروردگارا، پلیدی دروغ و آرز  
کی از پهنه گیتی بر انداخته خواهد شد؟ و سید ای که موجب میگردد کرپان های سیه کار مردم را  
بفریند و شیراران پیشگرم با اندیشه های شوم بر کشور با حکومت کنند.

بند ۱۱

ای مزدا، راستی و پاکی همراه با عشق و ایمان بخدا کی بر سرانغان خواهند آمد و در پرتو چیرگی نفوس  
توشتی دایمی بارمنان خواهند آورد؟ هنگام حمد سیه کار سنگ و خونخوار چه کسی در برابر آنا ایستادگی خواهد کرد  
و چه کسی از دانش و بنش و مومن برخوردار خواهد شد؟







## بند ۱۲ "سپندگات، سات ۴۱"

براستی سوشانت باور با نندگان کستی از دانش و پیش بر خود دار بوده، و طیفه خود را با الهام از منش پاک انجام خواهند داد. آنها کردارشان از راستی و پاکی سرچشمه گرفته با آموزشهای توأمی مزدا هم آهنگی دارد. آنان بدستی ازین برندگان چشم و نفرت پدید آورندگان مهر و آشتی میباشند.

## هات ۴۹ - بنا - بند ۱

ای مزدای پاک بهیتا، بنذو بزرگترین سدره من است همیشه با گمراه کردن مردم احساس فرسندی میکند. ای بخشنده مهربان بسوی من آیی و مرا توانایی بخشش در پرورش منش پاک براد دست یافته و او را از گمراهی ربانی بخشم و از پاداش نیک بر خودار کردم.

## بند ۲

بدستی رشتکارهایی بنذو مرا گمراه ساخته است، زیرا آموزشهای او جز دروغ و فریب و گمراه ساختن مردم و دور گنجه داشتن آنان از راستی و پاکی چیز دیگری نیست. او هیچگاه نسبت به پروردگار دبستی و ایمانی پاک و استوارشان نمیدهد و سخطه ای ای مزدا با اندیشه پاک و ضمیر روشن توانی اندیشد.

بندو BENDVA کی از دشمنان سرخست شور زشت و از بت پرستان فریجاردنشنه انگیزه بدت گریها بود.





### بند ۲

«سپندکات - ات ۴۱»

پروردگارا تو برای مردم باورد اشتن این آموزش را مقرر فرموده ای که راستی و تقاری  
بخش و سودمند است و دروغ کجبت با روزیان آور. بنا بر این آرزو دارم که مردم بپند خود را با  
اندیشه پاک آستوار سازند و آسینش خود را با دروغ دها خواهان دروغ کافرا بکنند.

### بند ۳

کج خردان بدانندیشان با زخم زبان خشم افزایند و درشت و جبار آسینند و کارگران در  
از کار باز دارند. این زشت کرداران گرایش به نیکوکاری نداشته و چنان بر برون و نامستی  
خو گرفته اند که دیوان ددوانی انسان مارا مانند.

### بند ۴

ای مزد کسی با خواست درون جانباری مین و جدان خود و منش پاک پیوستگی پذیرد  
چنین کسی از عشق و ایمان بخداوند بخورد و در پرتو راستی و درستی بزور خرد آراسته خواهد گردید  
سز انجام باد اشتن همه فرزگان معنوی ای اهورا در کشور جادوانی تو بسره خواهد برد.

### بند ۵

ای مزد و ای اشا، خواستارم که مرا از اندیشه پاک و حکمت خویش آگاه سازید  
تو حقیقت را با شناسم و دینی را بجانان آشکار سازم که از سوی تو ای هستی بخش الهام گردیده است.





«سپهنگات - ات ۴۹»

## بند ۷

پروردگارا بشود همه باهش پاک و دلی روشن بنجامم توجه کنند و از روی پاکی درستی  
آزادگوش هوش بشوند . اسی هستی بخش همگامی که پیام مقدس ترا بر مردم می آموزم گواه باش  
تا یاران و خودمانها برابر قانون ایزدی زندگی کرده برای همکاران را به سنمای نیکی باشند .

## بند ۸

ای هستی بخش امانا ، به فرشته تر بهترین بخشش امانا که همانا پیوستگی در سیدن به  
پروردگارا است ارزانی دار و همین بخشش را در مورد سایر مردم و پیروانم دریغ مدار .  
بشود که در پر تو خشترا ، نیروی منوی و مقدسین مردم خدمت کنیم و از دستداران  
تو باشیم .

## بند ۹

خدمتگزارنی که برای ربانی مردم ارشاد آفریده شده است باید این دستور ایزدی را  
گوش هوش بشود که شخص را پستگو همچا اندیشه امیرش با در و غلویان تبه کاران را  
بخود راه نخواهد داد ، اسی جا مناسب حکیم کسانی که با دین ایمان و دارای وجدانند با راستی

۱۱. در مورد یاران و خودمانها و همکاران توضیحاتی که در زیر نویس بند اول ات ۳۲ ذکر شده است ملاحظه شود .

۱۲. فرشتگی از یاران بسیار و فادار و صمیمی پیرو و برادر جا مناسب بود .





«سپنته کات. ات ۴۹»

و پارسانی پویسکی داشته و سرانجام از بهترین پادشاهان یعنی «بشت» برخوردار خواهند شد.

### بند ۱۰

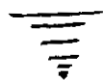
ای مرد با باد رود با آریستته منظر ایمان و فروتنی و خواستهای درون، این کوهرهای کوهها  
یعنی روان نیک اندیشان و درست کرداران را برای نجاتی تومی سپارم چو کله تومی میز بزرگ  
و نیروی پایدار و جاودانی.

### بند ۱۱

روان شهریاران شکر و بگرداران و رشت کهاران و سینه لان کج اندیشان به اخواها  
دروغ بدوخ یا سرای دروغ باز خواهند کردید زیرا ضمیمه روشن آنها و پیرکی نهاده است و از  
روشنایی و حق دور گشته اند.

### بند ۱۲

پروردگارا، آیا پرستندگان تو در پرتو آشا از کدام یاری برخوردار خواهند شد؟ آیا  
زشت نیز در پرتو و بنوعی از گلهای تو بهره مند خواهند کردید؟ ای هستی بخش ما، با سرودی  
شایسته ترا تسلیش کرده آرزو دارم آنچه را که در نزد تو گرامیترین است بمن ارزانی داری.





## «سنتی‌نگات» هات ۵۰ - بند ۱

آیا روانم پس از مرگ از یاد می‌چسبم؟ کسی بر خردم از خواهد شد؟ آیا هنگام گرفتاری کسی از من دیار من و سپردنم نگهداری خواهد کرد؟ ای هستی بخش دانا، جز آشا، منظر راستی پاکی و دُهومن، منظرش پاک و روشندی یحسین یکمگر کسی از گرفتارم نخواهد گشود، البته اگر بابت پاک بگفت خواسته شوند.

## بند ۲

ای مزدا کسیکه همیشه با اندیشه اینی و سود خویش است چگونه جهان خرمی بخش مهر خواهد ورزید؟ پارسایانی که برابر بنجارستی و راستی پاکی زندگی میکنند در مکانی که از تو خور تو در شان و منزلت دانا نیست بسر خواهند برد!

## بند ۳

ای مزدا کسی که نیروی معنوی خسترا و دُهومن را نهی او در زندگی است با آشا، خسترا حقیقت خواهد رسید همچنان یکدیگر در تو نجاشی از دی بر شرفت و آبادانی این جهان دست داشتنی که دروغ و ریافترا گرفته است بگفت کند از یاری آشا بر خردم خواهد شد.

## بند ۴

ای هستی بخش تاجا، با سرودهای تاسیش تو و همچنین آشا، دُهومن خسترا را میسر موم و

۱- منظر پشتات ۲- مظاهر راستی و پاکی و یکساندیشی و روشندی، نیروی معنوی و توانایی و چیرگی بر نفس.





«سپنته‌گات - ات ۵۰»

خواستارم که در فرازین راه آسمان حقیقت کام نماده و به آوای حق که از دستداران تو  
در کرمان برخاسته گوش فراوادم .

### بند ۵

ای هستی بخش ناماد ای جلوه گاه راپستی دپاکی ، با مهر و محبت بسوی سرانیده سرودهای  
آسمانی یا پیمبر خویش روی آرید و ماری و پستیانی خود را از او دینغ ندرید تا بتواند ما را بر دشمنانی  
ابدی دوح شهنختی جادو دانی زنبهون کردد .

### بند ۱

ای هستی بخش بزرگ ، ز رشت دوستدار آشا با آوای بلند ترا سایش کرده چنین  
آرزوی دارم . پروردگارا همیشه ز بانم را با نختار شیرین انیمیند پهلاره ساز و خردار انهام  
کنن . آفریدگارا در پر تو نشن پاک مرار دستورهای اخلاقی بر خور دار ساز و الهام بخش .

### بند ۷

ای پاسدار آزادی و تسایش نزل ، ای هستی بخش دانا ، با نماز و نیایش بدگاه تو را چونم  
یافت ، در پر تو راپستی و منش پاک تو خواهم پوسیت . پروردگارا مرار سببری فرماد در کارنا  
یاور و پستی بانم باش .





### بند ۸

پنجاه گات - ات ۵۰ «

ای هستی بخش دانا، با سرانیدن سرودهای موزون «گاتاها» که از شور و شوق دلم  
برمیخیزد و باد ستهای برافراشته بتوروی آورده خواستارم ای فردا چون دوستداری  
با دفا و فردتن در پرتو راستی و پاکی دفر دگفتی آفرین دهبوسن تو نزدیک کردم .

### بند ۹

ای خداوند خرد و جلوه گاه راستی و دستی در پرتو کارهایی که از خرد و نیک نشی سرچشمه گشته با  
سرودهای مقدس سالیان کنان بسوی تو باز خواهم گشت پروردگارا، با آگاهی از سرنوشت خویش با  
شوق بسیار آرزو مندم تا از دانش و حکمت الهی برخوردار گردم .

### بند ۱۰

پروردگارا بشود کارهایی که در گذشته انجام شده و آنچه در آینده از روی خرد و اندیشه پاک انجام  
خواهم داد از دیدگاه تو شایسته بوده و مورد پسند و گاهت باشد، ای خداوند جان و خرد، تاملش جو رسیده  
و روشانی سپیده دم با مداد برابرنجار هستی نمایانگر فرزند شکوه توست .

### بند ۱۱

ای مزدا، خداوند خرد، من تاسیگر تو بوده تا زمانی که مراتب تو ان است براه راستی خواهم رفت تا  
تو خواهم ماند. بشود که آفریننده جهان در پرورشش پاک بترین آرزو خواست در شکر داران پاک که مشرف و آبادانی جهان آرزو  
آرزو





## دو بخش‌ترگات      مات ۵۱ بند

خسترا، نیروی آلهی بخششی است بسیار از جند که چون بارانی مایم از غرش بزمن میاید.  
 و خواسته ای درون جان با حکان راه حق را در تو آشا بجدست گذاری موم برخواهد بخش.  
 ای مزدا، بهشت بانیکو کاری بدت آید. پس برای همیشه در انجام کار نیک کو شاخا هم بود.

### بند ۲

خشت کردار ای نیک خود را تو ای خداوند جان خرد و آشا، جلوه گاه راستی پاک ی نا بکنیم.  
 و پس تو ای آستیتی، جلوه گاه ایمان و عشق پاک، پروردگارا، مرا از نیروی مسنوی خود  
 آگاه فرما و پرستندگان با وفا می خود را در تو پیش پاک رستگاری بخش.

### بند ۳

به سخنان کسانی گوش فرما دید که با کردار نیک و گفتار راست و منش پاک ای تویی بخش  
 خواستار پیوستن تو هستند، کسانی که تو خود نخستین آموزگار و الهام بخش آنانی ای مزدا.

### بند ۴

پروردگارا، مهر فزون از اندازد تو کجاست و کی رحمت و بخشایش تو پرستنده با وفا  
 در برخواهد گرفت؟ راستی و درستی کجا میوان بدست آورد؟ ایمان و عشق پاک بخدا را کجا میوان  
 یافت؟ برترین منش را در کجا میوان جستجو کرد و نیروی شهر یاری و سرور می ای مزدا از کجا چشمه میگیرد؟







### بند ۵

«دو بخش ترکات. ات ۵۱»

این پرسش از رهبر در تکراری است که با فروتنی در پی انداختن دانشی شرف نیکو بوده و راه پیشرفت آفرینش را برابر با هنجار هستی مردم نشان دهد، رهبری که چون داری داد کرد و توانا از روی دانش و خرد راستی آموزد و نجشایش آورد.

### بند ۶

خداوند جان و خرد در پرتو شهر یاری خویش کجی که خواست او را بجای آورد و به پیشرفت آفرینش کمک کند پاداشی بهتر از نیک بخشد، ولی کسی که خواست او را انجام دهد و برای پیشرفت آبادانی جهان کوشش ننماید در روز واپسین کجفر زشتی کردار خویش گرفتار گردد.

### بند ۷

ای آفریننده زمین و آب و گیاه، ای مزدا، در پرتو خرد متعین خورش رسالی جادو دانه را بمن بخش. پروردگارا بمن توانائی و پایداری بخش و در پرتو منش پاک امورشش ای ای بر من آشکار ساز.

### بند ۸

ای مزدا، پیام آسمانی تو را من مردم دانا آشکار خواهم ساخت تا بدانچه سزوست شومی در انتظار در دنگویان و تبه کاران است و چگونه بر او امان راستی و نیکو کاران از خوشبختی





«دو شترکات - ات ۵۱»

و سرانجام در نتیجه آموزشهای گمراه‌کننده خود نیز بسیاری دروغ یاد و فریاد اندر خواهند شد.

### بند ۱۵

پاداشی را که زرتشت به نمان برادران دینی از پیش نوید داده است گزافان نمان خانه سرود و تسایش و بهشت است، جایی که از روز ازل منزلگاه هستی بخش دانا بوده است. این پاداش را که چون بخش الهی است و تنها در پروانه‌های پاک را پستی بدست توان آورد بشما نوید میدهم.

### بند ۱۶

در پروانه‌های معنوی انجمن برادری و سرودهای محبت که از منش پاک الهام گرفته است گوی گشتاب بان «پاداش» دست یافت و در پروانه‌های دانشی برخورد دارند که منشی بخش دانا و پاک مقرر فرمود دانشی که ما را بسوی خوشبختی در تئجاری رسانمون گردد.

### بند ۱۷

فرستاده بود که وجود منش را که عزیزترین حیر است در راه خدمت به پسر دین بھی «مزدینا» شار کرد. بشود که هستی بخش دانا و توانا آرزوی او را بر آورد سازد تا به آشا دسترسی پیدا کرده و بدرک حقیقت نایل آید.





## بند ۱۸

«دو بخش ترکات - بیت ۵۱»

جاماسب دانا از خانواده بنو ذکوان که خواستار روشنائی حقیقت است در توراستی  
دانش الهی را برای خویش برگزید و در پرورشش پاک بنیروی معنوی دست یافت . ای  
هستی بخش یکتا و ای خداوند دانا بخشش ای نامبرده را با ارزانی دار تا نسبت به تو  
دلگیری پیدا نکنیم .

## بند ۱۹

مید یوماه از دودمان اسپندان مردی است که با آگاهی کامل از زمین مرد سنا  
زندگانی خود را وقف مشیرفت آئین من کرد . او کسی است که کوشش دارد زندگی خود را  
بمفهوم واقعی درک کند و آئین مزد را را با کردار خدمت مردم بهتر به بیان بیاموزد .

## بند ۲۰

ای آشا سپندان شاهجه مملکت و به حکام نجاشش نیک با مردم ارزانی دار .  
آئین راپستی دپاکی و منش نیک را با بیامورید که عشق و ایمان بخدا در نهادمان افزایش  
یابد . پروردگارا ما با قلبی آکنده از مهر ترا می پرستیم و خواستاریم به شادی و خوشحالی  
جاودانی مزد او دست یابیم .

۱۰- «داره حکام و مملکت همیشه بمفهوم آشا سپندان گرفته شده و در این بند نیز با نبودن واژه آشا سپندان مفهوم اراده شده است»





«دو خستگات - بات ۵۱»

## بند ۲۱

مرد با ایمان خدا شناس پارسا و پرهیزکار است؛ اندیشه و گفتار و کردار و وجدانش  
به افزایش دگترش راستی گمک خواهد کرد. در تو منشی پاک و حیرگی بنفس هستی بخش  
دنامی بهیما بخشایش انجوش را با ارزانی خواهد داشت. پروردگارا برای بخورداری از  
این بخش نیک توردی می آورم و آنرا خواستارم.

## بند ۲۲

کسکه در پرتو راستی پاکی هرکاری را چون پرستش پروردگار انجام دهد؛ از دیدگاه  
هستی بخش دانای بزرگ بهترین هستی با است. کسانیکه در گذشته حال چنین بوده  
هستند آنان با احترام و بنام یاد کرده و کوشش خود را هم کرد با گردار نیک به تمام والای  
آنها برسم.

۱۰. بخشایش ابورالی عبارتند از آراش اندیشه و وجدان در روشنائی ضمیر و نیش دل، نیردی راده  
لی نیازی از خواسته دنیوی بخورداری ز خرسندی و خوشبختی سربرد.





## دیشواشت گات هاٹ ۵۲ کسنا - بند۱

ہمہ خواستہ ہی اٹو زرتشت اسپنمان بہترین و جہی بر آوردہ شدہ و اہورا مزدا  
 «ہستی بخش دانا» اور از بہترین نجائش برخوردار ساخته است، بمغنی کہ یک  
 زندگانی خرم و نیک و سراپا پارسائی برای ہمیشہ باو عنایت فرمودہ و حتی کسانیکہ  
 با او دشمنی میوزیدند آموختہ اند کہ باو احترام گذارند و در گفتار و کردار از اہمن بھی  
 پیروی کنند .

### بند۲

ایدن ہمہ با اندیشہ و گفتار و کردار بکوشید تا مزدار آشنو سازید و ہر یک  
 انجام کار نیک را برای نیایش او برگزینید . کی گشتاب ہوا خواہ زرتشت و  
 میدیو ماہ و فرسوشتر راہ راست و دینی را اختیار کردند کہ از سوی اہورا بہ  
 سوشیانت<sup>۱</sup> «نجات دہندہ بشر» الہام و اسکار گردیدہ بود .

### بند۳

ای پور و حیت اردو دمان ہیچد نپ از خاندان اسپنمان ای جوان بر  
 دختر زرتشت مزدا اہورا، اورا کہ کمنش پاک و راستی و پاکی دلگیری و ایمان دار و جوان

۱. - منظور از سوشیانت در این بند خود اٹو زرتشت می باشد .





«بیتوایت گات- مات ۵۳»

سرور و بستر تو بخشید پس بر با خردت نیک شورت کن با عشق پاک و آگاه کمال رفتار نما.

### بند ۴

من کسی را که بعنوان پدر سرور شش کران و خود مانیا نگارده شده است دوست خیم داشت  
و به سری می پذیرم، بشود که در بین پارسایان زنی پاکدامن و شایسته باشم و از شکوه یک  
زندگانی سراسر نیک منشی برخوردار گردم، بشود که مزد اهورا را همیشه از امور منشی حکیمان  
دین همی برخوردار سازد.

### بند ۵

این سخنان را بنوعر و سان تازه دامادان میگویم، امید دارم اندر زم را بگوشش  
شنوید و با ضمیری روشن آرزای نیک در یابید و بخاطر بسپرد. همیشه بانیک منشی و مهر محبت  
زندگی کنید و در راستی و پکی کوشش کنید از کله گیر مپیشی جویند، چه بجان از زندگانی سرش  
از خوشی و خور و شهنختی برخوردار خواهید شد.

### بند ۶

ای مردان و زمان کوشش کنید باین حایق توجه داشته باشید، از دروغ که همان  
زندگانی مادی و وسوسه انگیز است پرهیز کنید و از مشیرفت زیاد فریب جلگیری نمائید، پویند

۱۱، نظور پور و صیت دختر اشوزتشت می باشد.





«دیشتر ایت کات - ات ۵۳»

خویش را با دروغ بخلید و بدانید آن خوشی و سروری که از راه نادت و بدبختی و بیچارگی می آید  
 بت آید جز رنج و افسوس چیزی با رنج خواهد آورد و تبه کاران و دروغ پرستانی که در پی  
 تباهی دست کرده اند، برستی زندگانی معنوی و آرامش روحی خود را ازین خواهند برد.

### بند ۷

بنحایی که باین آزادی و برادری پایی بند باشید و مادام که عشق و وفاداری ریشه در  
 دردهای شایسته جوان (عروس و داماد) وجود داشته باشد، چه در این جهان و چه در  
 زندگانی دیگر از بهترین پاداش بهره مند خواهید شد، ولی هرگاه گرفتار روح پیدا همینی و  
 وسوسه های شیطانی شده و از آئین آزادی و برادری دست بردارید، پی آمد آن جز  
 رنج و اندوه با تک دینغ و افسوس خیر دیگری نخواهد بود.

### بند ۸

براستی بگرداران تبه کاران سرانجام خوب نخواهد بود و مورد رنج مردم قرار گرفته  
 خود را سزانش خواهند کرد. بشود که در پرتو سبزی دست گردار و شرمیاری دادگر زمان مردان  
 در دودمان خویش در روستا از آرایش آسایش و صلح و آشتی برخوردار گردند، بشود که





«دیشوایش - ات ۵۳»

ریا و فریب کاری که چون رنجیر انسان را بتپا می کشاند از پنجه گیتی برانداخته شود.  
 بشود که خداوند کتیا و بزرگت از همه بزودی بسوی ما آید.

### بند ۹

کج باوران و بدیشان نسبت به نیکوکاران نفرت دارند و اشخاص محترم و با ارج را حوا  
 می شمارند، آنان بنده هومی و هوس اند، و دست کرداران بیدیه حقارت می گزیند، هر چند  
 بانص خویشت، ندام در کشتش و پیکارند. کیت آن سرور پر مهر کاری که در کمال آزادی با  
 تمام وجودش بابدکاران مبارزه کند، ای مزدا تنها نیروی معنوی است که می تواند در پیشانی<sup>۱</sup>  
 دست کار را یار و یاور باشد و به آنان نیکوترین پاداش بخشد.

(۱) در دیشان، اشخاص در بنیز کار و در استه ای می باشد که از سخا و آدی فقیرند ولی از سخا و سنوی ثروتمند.

به لطف ایزد دانا

ششم همراه یکنزار و سیصد و هشت جبری شمس کتابت گاتها یا سرواوی آسمانی

با تمام رسید

۱۳۶۰ - نجل - کترین غلامی عطاریان

